

What is The Nature of Parliamentary Representation in the Minds of Jurists From the Constitutionalism to the Islamic Revolution

Asadallah Izakkhah ¹
Masoud Raei ²
Manoochehr Tavassoli Naeni ³

Received Date: 6 Dec 2021
Reception Date: 24 Jul 2022

Abstract

The place and importance of legislative assemblies in democratic governments is such that they should be referred to as fundamental institutions. The importance of this issue in Islamic democratic governments such as Iran has always been discussed. After the introduction of modern concepts such as representation in the traditional Iranian society during the constitutional period, jurists and thinkers analyzed the nature of this emerging institution. Given the importance of this issue, in this study we will seek to answer this question; What is the position of the parliament in Iran from the perspective of fiqh and public law? Considering the entry and development of the modern concept of representation in the political-legal literature of the traditional Iranian system and the establishment of the Legislative Assembly and various debates to legitimize this modern concept in Iranian fiqh and public law, it can be seen that this concept is the product of thinkers' thinking and solutions. To localize this emerging institution in the traditional Iranian system. However, by examining each of the views expressed in relation to the position of the representative, it can be seen that the scholars and thinkers emphasized on the implementation of this emerging institution on sharia law. However, it can be acknowledged that the concept of representation, despite its similarity with the power of attorney contract, cannot be compared with it. This is because representation, as one of the modern concepts of public law, has its own rules and characteristics, according to which it is by no means logical with the so-called advocacy in fiqh. Rather, in the jurisprudential system of Iran, this modern

¹ . PhD student in Law, Islamic Azad University, Khorasgan branch

² . Associate Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Corresponding Author) masoudraei@yahoo.com

³ . Associate Professor. Department of law. University of Isfahan.

concept has the same characteristics and features that are derived from Western systems; Due to the lack of conflict with the principles and norms of Sharia, it has been accepted in the form of customary terms.

Keywords: Representation, Legitimacy, Advocacy, Islamic Fiqh, Public Law

چیستی شناسی نمایندگی مجلس در اندیشه فقها از مشروطه تا انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

اسدالله ایزدخواه^۱مسعود راعی^۲منوچهر توسلی نائینی^۳

چکیده

جایگاه و اهمیت مجالس قانونگذار در حکومت‌های مردم‌سالار بگونه‌ای است که می‌بایست از آنها تحت عنوان نهادهای اساسی یاد نمود. اهمیت این موضوع در حکومت‌های مردم‌سالار اسلامی نظیر ایران نیز همواره مطرح گردیده است. بگونه‌ای که پس از ورود مفاهیم مدرنی همچون نمایندگی در دوران مشروطیت به جامعه سنتی ایران، فقها و اندیشمندان به تحلیل ماهیت این نهاد نوظهور پرداختند. با توجه به اهمیت این مسأله، در این پژوهش بدنبال پاسخ بدین پرسش خواهیم بود که از منظر فقه و حقوق عمومی نمایندگی مجلس در ایران دارای چه ماهیتی می‌باشد؟ با دقت نظر در ورود و توسعه مفهوم مدرن نمایندگی به ادبیات سیاسی- حقوقی نظام سنتی ایران و تأسیس مجلس قانونگذار و جدال‌های مختلف جهت مشروعیت‌بخشی به این مفهوم مدرن در فقه و حقوق عمومی ایران می‌توان دریافت که این مفهوم ماحصل اندیشه‌ورزی اندیشمندان و راه‌حلی از سوی فقها برای بومی‌سازی نمودن این نهاد نوظهور در نظام فقهی ایران بوده است. هر چند با بررسی هریک از دیدگاه‌های مطروحه در رابطه با ماهیت نمایندگی می‌توان دریافت فقها و اندیشمندان بر تطبیق این نهاد نوظهور با وکالت شرعی تأکید داشتند. اما می‌توان اذعان نمود مفهوم نمایندگی با وجود تشابهی که با عقد وکالت

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

masoudraei@yahoo.com

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

دارد قابل جمع و قیاس با آن نخواهد بود؛ چراکه نمایندگی بعنوان یکی از مفاهیم مدرن حقوق عمومی قواعد و ویژگی‌های مختص به خود را دارد که با توجه به آنها به هیچ نحو با وکالت مصطلح در فقه منطبق نمی‌باشد؛ بلکه در نظام فقهی ایران این مفهوم مدرن با همان اوصاف و ویژگی‌های مختص خود که برگرفته از نظام‌های غربی است به دلیل عدم تعارض با مبانی و موازین شرعی در قالب اصطلاحات عرفی مورد پذیرش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: نمایندگی مجلس، مشروعیت، وکالت، فقه اسلامی، حقوق عمومی

مقدمه

امروزه در تمامی حکومت‌ها نقش مردم در عرصه سیاست بطور مستقیم و غیرمستقیم بیانگر مشروعیت آنها در اداره امور جامعه می‌باشد که این مهم از طریق نمایندگان قانونی هر ملتی به منصفه ظهور می‌نشیند. به بیانی دیگر می‌توان گفت، در جوامع مدرن حکومت‌ها حق سلطه و استبداد بر مردم را ندارند بلکه از طریق انتخاب نمایندگان از جانب مردم اعمال حاکمیت می‌نمایند. این فرآیند در حکومت‌های اسلامی نیز حائز اهمیت است؛ چراکه از این طریق نه تنها از نقش مردم در اعمال و تصمیمات سیاسی کاسته نخواهد شد بلکه مشارکت سیاسی مردم بعنوان یک تکلیف الزام‌آور برای آحاد تشکیل دهنده جامعه نیز مفروض خواهد بود. به همین دلیل در سده اخیر در نظام فقهی و حقوقی ایران، مجلس و نمایندگان آن بعنوان یکی از مهمترین نهادهای تبلور حکومت مردم سالار قلمداد گردیده است. نکته شایان توجه در این میان این است که شکل‌گیری مجلس و نمایندگان آن در نظام فقهی و حقوقی ایران همواره تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم اندیشه‌ها و مفاهیم مدرن غربی بوده است. فلذا با وجود این مسأله ضروری است تا هرگونه تحلیل و تبیین از مفهوم نمایندگی را با مطالعه مفهوم نمایندگی مجلس از بدو ورود در نظام فقهی و حقوقی ایران از سر بگیریم.

در نظام فقهی و حقوقی ایران هم زمان با انقلاب مشروطیت طرح مباحثی مدرنی همچون پارلمان و نمایندگی وارد جامعه سنتی ایران گردید که این امر واکنش‌هایی را از سوی موافقین و مخالفین ایجاد نمود. به بیانی می‌توان گفت، نمایندگی مجلس از جمله مهمترین مفاهیمی بود که از ابتدای نهضت مشروطیت در مورد آن بحث‌های فراوانی مطرح گردید. در واقع، ورود این مفهوم به عرصه ادبیات فقهی و حقوقی ایران موجب ایجاد و طرح مباحث جدیدی برای مناقشات اندیشمندان و فقیهان شد؛ به طوری که برخی نماینده را وکیل و نمایندگان مجلس را نیز وکلای ملت می‌نامیدند. علاوه بر این، موضع‌گیری‌های متفاوتی نیز از سوی اندیشمندان و فقها در خصوص مفهوم نمایندگی و ارتباط آن با دیگر مفاهیم فقهی و حقوقی آغاز گردید که در این مقاله سعی بر توضیح هر یک از آنها را داریم. چنانچه خواهیم دید در تکوین مفاهیم مدرنی همچون نمایندگی، فقها و اندیشمندان عصر مشروطه چه نقشی داشته اند؛ چراکه از

زمان پیدایش مفهوم نمایندگی در حقوق اساسی و مواجهه فقه و حقوق عمومی ایران با آن در میان اندیشمندان و فقها مباحث بسیاری در رابطه با جایگاه این نهاد مدرن صورت گرفت که تاکنون نیز ادامه دارد. چنانچه فقها و اندیشمندان جامعه سنتی ایران در عرصه‌های فقهی و حقوقی در حین مواجهه شدن با این نهاد سیاسی همواره با سؤالاتی اساسی روبرو بوده‌اند؛ سؤالاتی همچون: نهاد نمایندگی در نظام فقهی و حقوقی ایران چه جایگاهی دارد؟ و یا اینکه آیا نهاد نمایندگی همچون وکالت در دسته عقود معین شرعی قرار می‌گیرد؟ و یا دارای جایگاه دیگری است؟ همانطور که در سطور پیش نیز اشاره گردید، در پاسخ به پرسش‌های مذکور تاکنون نظرات گوناگونی از سوی موافقین و مخالفین این مفهوم مدرن مطرح گردیده است؛ بطوریکه برخی از بدو مشروطیت تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نهاد نمایندگی مجلس را با مفهوم وکالت در فقه اسلامی در یک دسته قرار داده‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۱۸۰؛ و کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۰۰). با اندکی تأمل در نظریات مطروحه، نکته‌ای که باید بدان توجه نمود اینکه تمامی دیدگاه‌های ارائه شده در رابطه با این مفهوم مدرن علیرغم اینکه منجر به تحول آن در نظام فقهی و حقوق عمومی ایران گردیده است، عموماً دارای ضعف‌هایی نیز می‌باشند که هر یک به نوبه خود موجب ایجاد ابهاماتی درخصوص جایگاه این مفهوم گردیده‌اند. فلذا ضرورتاً می‌بایست با دیدگاهی منسجم و به دور از هرگونه جانبداری، جایگاه اینچنین نهاد اثربخش و حیاتی در عرصه حقوق عمومی بررسی و مورد واکاوی قرار گیرد.

در راستای رفع ابهامات ایجاد شده تاکنون مباحث و نظرات متعددی بصورت عام و کلی مطرح گردیده است. همچنین به صورت موردی نیز برخی از کتب و مقالات به رشته تحریر درآمده است که از جمله مهمترین این کتب می‌توان به کتاب «انتخابات نمایندگی مجلس» نوشته سید احمد حبیب نژاد منتشر شده در کانون اندیشه جوان در سال ۱۳۹۱ اشاره کرد. نوآوری پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده از دو جهت است:

نخست: اینکه برخلاف پژوهش‌های صورت گرفته که صرفاً به تبیین ماهیت نمایندگی، وظایف و اختیارات نماینده و همچنین محدوده این اختیارات و اهرم‌های نظارتی بر مجلس و نمایندگان پرداخته‌اند، دایره این پژوهش ضمن ارائه تعاریفی از مبانی، مفهوم و اهداف نهاد

مدرن نمایندگی با توجه به نو تأسیس بودن این نهاد در نظام فقهی و حقوقی ایران به نقد و بررسی دیدگاه‌های مرتبط با نحوه تکوین نهاد مذکور در نظام فقهی و حقوق عمومی ایران خواهد پرداخت.

دوم: اینکه در مقام تحلیل ضمن تفاوت در نظرات ارائه شده در پژوهش‌های پیشین که به وجود این اصل مدرن در جوامع و نظام‌های سنتی ایران توجه داشته‌اند. این مقاله نهاد نمایندگی را یک مفهوم مدرن می‌داند که خاستگاه اولیه و زمان پیدایش آن به جوامع غربی باز می‌گردد. فلذا توسعه و تکوین آن صرفاً از زمانی آغاز گردید که اندیشمندان ایرانی طی سفرهای خود به جوامع غربی با این مفهوم مدرن آشنا و پس از ورود آن به نظام حقوق عمومی ایران طی جدال‌هایی که با فقهای عصر مشروطیت رخ داد در نظام فقهی و حقوقی ایران بومی‌سازی گردید.

این پژوهش در تحقیقی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای در راستای پاسخگویی به سوالات مطروحه، به تبیین و تحلیل مفهومی نهاد مدرن نمایندگی می‌پردازد. سپس دیدگاه‌هایی را که در رابطه با این مفهوم مدرن در نظرات موافقین و مخالفین آن مطرح گردیده‌است تحلیل و بررسی می‌نماید. در نهایت نگارنده ضمن در نظر گرفتن دیدگاه‌های مطروحه در فقه و حقوق عمومی ایران در رابطه با مشروعیت نهاد مدرن نمایندگی به تفاوت مسند نمایندگی در حقوق عمومی با وکالت مصطلح در فقه و حقوق خصوصی خواهد پرداخت.

۱. معنا و مفهوم نمایندگی

در بررسی پیرامون هر موضوع علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم آن است. نهاد نمایندگی به عنوان یکی از مفاهیم مدرن حقوق عمومی نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده و در همین راستا در این بخش از مقاله حاضر با توجه به اینکه موضوع پیمان نمایندگی در حقوق عمومی اعمال حاکمیت می‌باشد، مفهوم نمایندگی را مورد بازشناسی قرار خواهیم داد.

در لغت از مفهوم نماینده به عنوان کسی که چیزی را می‌نمایاند و یا هویدا می‌کند یاد شده است. چنانچه در فرهنگ معین و همچنین در لغت‌نامه دهخدا نیز از مفهوم نمایندگی به آن کس که نشان دهنده، ظاهر کننده و نمایش دهنده چیزی می‌باشد استفاده شده است (معین، ۱۳۷۱، ۴۸۱۳؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ۷۸۹). با توجه به تعاریف مذکور در تعریف کلی از منظر لغوی از مفهوم نمایندگی گفته شده که نماینده شخصی است که از جانب قانون دارای اختیاراتی در شکل‌گیری و یا تغییرات در کلیه حقوق و تکالیف قانونی می‌باشد که با ایجاد رابطه میان دیگر اشخاص که اصیل خوانده می‌شوند موجودیت می‌یابد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۵۵). نکته قابل توجه در تعریف نمایندگی، توجه به تعاریف آن در معانی عام و خاص کلمه می‌باشد و آن به کسی گفته می‌شود که یک عمل حقوقی را برای دیگران و به نام آنها انجام دهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۷۰). بنابراین، مطابق تعاریف مذکور از منظر لغوی نمایندگی به معنای عام، انجام یک عمل حقوقی بر حسب امری قانونی است؛ نظیر قیومیت و یا ولایت بر محجورین که از آن تحت عنوان نمایندگی قانونی یاد می‌گردد. حال چنانچه با رضایت و یا ناشی از عقود و یا قرارداد معین همچون وکالت باشد، بدان نمایندگی قراردادی می‌گویند. در اصطلاح حقوق اساسی نمایندگی به معنای خاص آن نیز به کسی گفته می‌شود که مطابق قوانین و مقررات موضوعه پس از اعلام نامزدی از طریق آرای عمومی از سوی همه مردم و یا اکثریت آنها به عنوان نماینده مجلس انتخاب می‌گردد.

مفهوم نمایندگی به حدی حائز اهمیت است که تمامی دموکراسی‌های مدرن، نظام حکومتی خود را بر پایه آن قرار می‌دهند. بگونه‌ای که برخی بر این باورند مفهوم نمایندگی نقطه ثقل مباحث مرتبط با قوه مقننه است (مرادخانی، ۱۳۹۶: ۴۰۰). مفهوم مدرن نمایندگی همچون بسیاری از مفاهیم وارداتی به نظام حقوق عمومی ایران دارای ریشه و سابقه‌ای طولانی در تاریخ غرب است که بیان تاریخچه و شرح آن نیازمند پژوهشی جداگانه است و پرداختن بدان در این مقاله نمی‌گنجد. آنچه که در این بخش از مقاله حاضر حول محور بحث ما می‌باشد، تعریفی مختصر از شکل تکامل یافته و دگرگون شده این مفهوم غربی در حقوق عمومی ایران می‌باشد. بنابراین، در وهله نخست ارائه هرگونه تعریف از این مفهوم مدرن را باید در

مشروطیت و نظام مبتنی بر قانون اساسی و وابسته به مفهوم نمایندگی جستجو نمود. به بیانی دیگر می‌توان اذعان نمود که نمایندگی بزرگترین پارادوکس در ایده مشروطیت است که در نظام حقوق عمومی ایران مستشارالدوله برای نخستین بار در خصوص تعریف این مفهوم مدرن تأمل کرد. چنانچه او بر این باور بود که این مفهوم در اسلام در باب مشورت مطرح گردیده است و ضمن اشاره به آیه شریفه "و شاورهم فی الامر" سعی بر تطبیق این مفهوم مدرن با شورا در اسلام و سنت قدمایی نمود (مرادخانی، ۱۳۹۶: ۴۰۵) که در رابطه با دیدگاه او در بخش‌های آتی به تفصیل بحث خواهیم نمود. گفته شده فروغی نیز از جمله نخستین کسانی است که واژه نمایندگی را بکار برده است؛ چنانچه او بر این باور بود که سابقاً مردم بر این باور بودند هر یک نفر و یا جماعتی صاحب اختیار مطلق در تصمیم‌گیری عوام الناس می‌باشند. اما در حال حاضر بیش از یک قرن است که تمامی اندیشمندان و اکثر عوام بر این باورند که یک شخص و یا جماعتی خاص صاحب اختیار در امور یک قوم و یا مملکت باشند (زرگری نژاد، ۱۳۷۷: ۷۸۰). بنابر آنچه که بیان گردید، اصطلاح نمایندگی در حقوق عمومی از جمله صفات کسی بشمار می‌رود که به انجام اعمال حقوقی به نام و یا برای اشخاص دیگر از طریق اقتدارات قانونی می‌پردازد. اما نکته‌ای که در اینجا باید بدان اشاره نمود اینکه منظور ما از نمایندگی در این مقاله همانطور که گفته شد، معنای اخص آن یعنی نمایندگی ملت در مجلس قانونگذار است که از طریق انتخابات و آرای عمومی فعلیت خواهد یافت و از طریق آن حاکمیت ملی اعمال خواهد شد.

عموماً در نظام فقهی ایران، فقها ارائه تعریفی از نمایندگی را در فقه صرفاً از طریق انطباق این مفهوم مدرن با موارد مشابه و عرفی آن در فقه و شریعت اسلامی امکانپذیر دانسته‌اند. نکته‌ای که در اینجا باید بدان توجه نمود اینکه بدون شک فلسفه وجودی اصل نمایندگی برای مردم این امکان را بوجود آورده تا خود در اداره امور جامعه و تعیین سرنوشت سیاسی خویش مشارکت داشته باشند. از این‌رو، عموماً در فقه اسلامی اعطای این مشروعیت از سوی صاحب‌نظران در مباحث فقهی مورد ارزیابی قرار گرفته است که اجماع نظر آنها در رابطه با تعریف و تبیین این مفهوم مدرن در اصطلاح فقهی این است که نمایندگی را نوعی عقد

وکالت بشمار می‌آورند (نایینی، ۱۳۵۸: ۱۰۰؛ امام خمینی، ۱۳۶۹: ۳۰۰؛ منتظری، ۱۳۶۷: ۱۱۵؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۰۰). البته دیدگاه نگارنده همسو با برخی از نظرات ارائه شده بر این است که مفهوم نمایندگی عقدی نوین و البته یک مفهوم عرفی است که فقه آن را با همان وصف به دلیل عدم تعارض با مبانی و موازین شرعی تایید نموده است که در ادامه به تفصیل به بیان و تشریح دلایل خود خواهیم پرداخت. فلذا بررسی مفهوم و جایگاه نمایندگی از منظر فقهای ایرانی که در بدو مشروطیت به نظریه پردازی در خصوص آن پرداخته‌اند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. به همین دلیل نکته قابل توجه و مهمی که پرداختن بدان را در این بخش از مقاله حاضر به خود اختصاص داده است، تشابهات میان این مفهوم مدرن و وکالت مصطلح در شریعت اسلامی است که در بدو مشروطیت منجر به ایجاد بحث‌ها و جدال‌هایی در خصوص نهاد مدرن نمایندگی گردید. بنابراین همانطور که در ادامه بیان خواهیم نمود، دیدگاه نگارندگان به بیان دلایل وجوه تشابه میان مفهوم مدرن نمایندگی سیاسی و وکالت می‌باشند که با ذکر نظراتی از اندیشمندان و فقهای عصر مشروطیت در بدو ورود نهاد نمایندگی آن را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

۲. پیدایش مفهوم نمایندگی مجلس در عصر مشروطه

تبیین و بررسی یک مفهوم بدون درک حوادث و اوضاع و احوال آن غیرممکن است. از این‌رو، تبیین جایگاه نمایندگی نیازمند اشاره به دوره زمانی پیدایش آن در نظام حقوقی ایران که عصر مشروطیت است ضروری می‌باشد. برای درک پیدایش نهاد نمایندگی مجلس در تاریخ مشروطه ایران ابتدا می‌بایست به تجربه اندیشمندان ایرانی در مواجهه با این مفهوم مدرن منبعث از غرب و لزوم توجه ایرانیان به آن برای جبران عقب ماندگی‌ها و دستیابی به اهداف مشروطه پردازیم که این موضوع به نوبه خود منجر به بروز یکی از مهمترین و چالش برانگیزترین مناقشات آنها با فقیهان در عصر مشروطیت در رابطه با شکل‌گیری مجلس شورای ملی و راهیابی منتخبان بدان گردید. لازم به توضیح است، اختلافات موجود هم در ارتباط با مشروعیت بخشیدن به نهاد نمایندگی و هم مشخص نمودن قلمرو اختیارات آن بود(فیرحی، ۱۳۹۱: ۳۰۰). درواقع، مشروطه‌خواهان در آن دوران مجلس را یکی از نهادهای اصلی و مهم

مشروطیت می‌دانستند و هیچ چیز به اندازه شکل‌گیری مجلس و نهاد نمایندگی برای آنها مهم نبود (مرادخانی، ۱۳۹۶: ۴۴۰). اما در این بین برخی نهاد نمایندگی را در تضاد با شریعت اسلامی می‌دانستند که این مسأله منجر به واکنش برخی دیگر گردید. از این رو ضروری است تا در ادامه دیدگاه‌های موافق و مخالف درخصوص مسأله نمایندگی مجلس که در پی انقلاب مشروطیت وارد نظام حقوق اساسی ایران شد را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم.

۱.۲. خوانش اندیشمندان عصر مشروطه از مفهوم نمایندگی

اندیشمندان عصر مشروطه با الهام از مفاهیم مدرن بر این باور بودند که مجلس در رأس حکومت و بر امور آن نظارت دارد. آشنایی با این افکار مدرن در مقابل و تضاد با اندیشه سنتی ظل الهی قرار گرفت؛ اندیشه‌ای که مطابق آن شاه در رأس امور قرار داشت نه ملت و مردم رعایایی تلقی می‌شدند و وظیفه آنها صرفاً فرمانبرداری بود (آبادادیان، ۱۳۷۴: ۴۸). گسترش افکار نوین در مقابل تفکر سنتی رایج منجر به گرایش جامعه سنتی ایران به سمت مفاهیم مدرن و در نهایت پی‌ریزی حقوق اساسی مشروطه گردید. همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد، گرایش به سمت مفاهیم مدرنی همچون نمایندگی مجلس نشأت گرفته از تعامل اندیشمندان ایرانی با غرب بود که در ذیل به ذکر چند مورد از آنها خواهیم پرداخت:

۱. میرزا یوسف خان مستشارالدوله: مستشارالدوله از جمله اندیشمندانی بود که همواره به دنبال همگام‌سازی اصول دموکراسی و لیبرالیسم غرب مدرن با مفاهیم اسلامی بود. در واقع او از جمله نخستین اندیشمندانی بود که در رابطه با مفهوم نمایندگی تأمل کرد و در سال ۱۲۸۶ رساله معروف "یک کلمه" را نوشت و اولین نامی را که برای آن انتخاب کرد "روح السلام" بود. در این رساله مستشارالدوله تنها راه عقب ماندگی جامعه ایرانی از جوامع غربی را بی قانونی و داروی درمان آن را تنها در یک کلمه یعنی «حکومت قانون» می‌پندارد. به گفته او در این کتاب "به جمیع اسباب ترقی و سیویلیزاسیون از قرآن مجید و احادیث صحیح، آیات و براهین پیدا کرده‌ام که دیگر نگویند فلان چیز مخالف آیین اسلام یا آیین اسلام مانع ترقی و سیویلیزاسیون است" (مستشارالدوله، ۱۳۹۳: ۶). اما آن رساله روح السلام نبود بلکه در واقع

همانطور که خودش بیان می‌دارد، اصول کبیره و اساسیه قانون کونستیسون ۱۷۸۹ فرانسه بود. مستشارالدوله با انتساب مفهوم وکالت به اصل نمایندگی در رابطه با حق انتخاب وکلای ملت از سوی اهالی مملکت بر این باور بود که "اهالی را در بحث و تدقیق افعال حکومت مداخله عظیم هست و وکلای ملت با شروط معلومه و معینه در کتاب قانون از جانب اهالی منتخب در مجلس قانونگذار مجتمع می‌شوند و این قاعده در شریعت مطهره اسلامیه به باب مشورت راجع است؛ چنانچه خدای متعال در قرآن مجید و در سوره آل عمران می‌فرماید: «و شاورهم فی الأمر» (مستشارالدوله، ۱۳۹۳، ۲۹). وی با آوردن مصداق‌هایی در اصول اسلامی نظیر «مشورت» و «شورا» تلاش نمود تا راه‌های پذیرش مفاهیم مدرن غربی را در نظام حقوقی ایران هموار سازد. مستشارالدوله قبول ملت را یکی از اساسی‌ترین تدابیر حکومت بر مردم بشمار می‌آورد. مبنا و مفهومی که بر اساس آن حضور نمایندگان مردم در پیکره دولت و حکومت نه تنها برای مشورت و تصمیم‌گیری در امور جامعه بلکه برای سهیم نمودن آنها در امر حکومت‌داری می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۲۳۳). از براینده این انطباق چنین مستفاد است که مستشارالدوله سعی بر تطبیق نهاد مدرن نمایندگی با مباحث فقهی و سنتی را داشته است. اما برخی از صاحب‌نظران در اینخصوص بر این باورند که آن مشورتی که در آیه شریفه و شورا در صدر اسلام مطرح گردیده است از مفاهیم سیاست نامه نویسی است. این درحالی است که در اندیشه‌های سیاسی مدرن، نمایندگان در مجالس قانونگذاری اقدام به تدوین و تصویب قوانینی می‌نمایند که منشأ اصلی آن اراده ملی است و این بدان معناست که در فلسفه سیاست از جمله شروط اصلی و اولیه حاکمیت ملت است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۲۳۵). برخی دیگر نیز براین باورند مستشارالدوله از یک جهت دچار اشتباه شده بود و آن اینکه نظام مدرن نمایندگی و پارلمان را با قواعد سنتی و قدمایی همچون مشورت پیوند و ارتباط می‌دهد بدون اینکه در نظر بگیرد خود مفهوم مشورت می‌تواند از جانب و یا تحت نظارت یک شخص مستبد صورت پذیرد. مضافاً باید توجه نمود که آن مشورتی که در اسلام صورت می‌گرفت بصورت هیأت انتخاباتی از جانب مردم نبود (حائری، ۱۳۸۱: ۳۵). با در نظر گرفتن دیدگاه‌های مذکور، بطور کلی نظرات مستشارالدوله پیرامون مفهوم مدرن نمایندگی را می‌توان نقطه آغازی برای تکوین

این نهاد مدرن در نظام فقهی و حقوقی ایران تلقی نمود. البته باید بدین نکته اشاره نمود که این مفهوم از سوی او بصورت کامل تشریح نگردیده بود. البته در رابطه با اینکه مستشارالدوله قبول ملت را یکی از رویکردهای حکومت بشمار می‌آورد به نوبه خود عاملی جهت ایفای بیشتر نقش مردم و منتخبان آنها در امور حاکمیتی از این جهت که در اداره جامعه اسلامی سهیم‌اند خواهد بود. نکته دیگری که باید بدان توجه نمود اینکه بنظر می‌رسد به دلیل جو حاکم بر جامعه در آن برهه زمانی، مستشارالدوله به خوبی نمی‌توانست این موضوع را بیان دارد. در نتیجه هرگونه استدلال نظر در رابطه با مفهوم مدرن نمایندگی را برعهده آیندگان خود محول نموده است.

۲. عبدالرحیم طالبوف: طالبوف نیز با نسبت دادن مفهوم وکالت به نهاد مدرن نمایندگی براین باور بود ملت ایران این وکلا را انتخاب نموده اند تا در مرکز مملکت بنشینند و در کلیه مصالح امور شور و مشورت نمایند؛ سپس قوانین لازمه را وضع نمایند و از استقلال کامل نیز در این زمینه برخوردار باشند (طالبوف، ۱۳۹۶: ۱۰۰). همچنین طالبوف می‌نویسد: «هر وکیلی که مبعوث خود را بدین سمت اقرار نماید می‌بایست در صورت و سیرت مبعوثین حقیقی باشد و در وظایف محوله از شکوه و تجمل صرفنظر نموده و تغییرات اصولی و اساسی را در قیودات تبذیر و اسراف بی شعورانه که جزء اعظمی از سوءاخلاق وطن ما گردیده است ارائه دهند» (همان منبع: ۳۵۰). بنظر می‌رسد که بیان این شکل از حکومت طالبوف ناظر به حکومت انگلستان است. چنانچه به باور او رئیس حکومت به صورت وراثتی صاحب تاج و تخت است ولی اداره امور مملکت مطابق قانون اساسی در مجلس سنا و مجلس وکلا صورت خواهد پذیرفت؛ بگونه‌ای که مجلس وکلا را ملت از متخین خود بر منصب می‌نشانند و سناتورها را نیز شخص پادشاه تعیین می‌نماید (همان منبع: ۸۰). لازم به ذکر است، ارائه نظرات مذکور از سوی طالبوف همگی مربوط به دوره‌ای است که مجلس اول مشروطیت شکل نگرفته بود. چنانچه با تشکیل مجلس نیز به زعم نظراتی که پیشتر ارائه داده بود، انتقاداتی را نیز به اولین مجلس قانونگذار در ایران وارد می‌نماید که از منظر حقوق عمومی توجه بدانها امری ضروری است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. ایرادات او به مجلس اول از این قرار بود که

اولاً؛ چون پادشاه به مرگ خود آگاه بود، عجلولانه در افتتاح مجلس تعجیل نمود ثانیاً؛ قانون انتخابات از اساس دارای ابهام است و ثالثاً؛ بدون قانون اساسی بدون شعبات اداره ملت تشکیل گردیده است (همان منبع: ۱۰۰).

از جمله مهمترین ایرادات طالبوف که به شکل‌گیری نهاد نمایندگی و مجلس مشهود است، فقدان قانون اساسی به مثابه نمود عملکرد نمایندگان و منتخبین ملت است. چنانچه او بیان می‌دارد در تمامی ممالک دنیا رسم است که ابتدا قانون اساسی نگاشته و تنظیم شود و بعد از آن مجلس تأسیس گردد. علاوه براین، مهمترین مسائل پیرامون نهاد نمایندگی همچون نحوه برگزاری انتخابات از جمله دیگر اشارات طالبوف نسبت به نهاد مدرن نمایندگی است که می‌بایست مطابق قانون مقرر گردد (آجودانی، ۱۳۸۲: ۱۶۰). تفاوت‌هایی در دیدگاه‌های طالبوف نسبت به دیگر اندیشمندان مشاهده می‌شود؛ از جمله اینکه او با شناخت صحیح از اصول و معیارهای غربی سعی در نمایان کردن آنها همانگونه که هستند نمود. برای مثال طالبوف فارغ از ذکر خصلت‌ها و بیان اوصاف نمایندگی مجلس به بیان نکته‌ای مهم در افتراق میان صورت و سیرت نمایندگان ملت بیان می‌نماید. مطابق دیدگاه او هرچند نماینده مجلس در شمار مردم و در صورت آنها می‌باشد اما انتخاب او از سوی ملت به او سیرتی خواهد داد که چنین سیرتی صرفاً در قالب نمایندگی نمایان خواهد شد. لازم به توضیح است که طالبوف از جمله اندیشمندانی بود که به بیان نکات مختصری در رابطه با پذیرش و موافقت مفهوم مدرن نمایندگی مجلس بسنده کرد و متأسفانه کوشش دیگری در راستای گسترش مباحث و نظریات خویش ننمود.

۳. فروغی: از جمله نخستین اندیشمندانی است که در نظام حقوقی ایران واژه نمایندگی را بکار برده است. فروغی در رساله خود تحت عنوان حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول که درس نامه‌ای ترجمه‌ای بود، اصول حقوقی دولت مشروطه و وظایف پارلمانی و نقش ملت را در نظام سیاسی مدرن تبیین نمود. لازم به توضیح است که اساس مبانی فکری فروغی در این رساله ناظر به حقوق نوین فرانسه و در راستای ایجاد بنیان‌های مدرنی برای نظام مشروطیت ایرانی است. چنانچه سخن از وضع قانون و تشکیل پارلمان از جمله اساسی‌ترین مسائلی بود

که فروغی در رساله خود به رشته تحریر درآورده است. همچنین وی سه وظیفه مهم و کارکرد اصلی را برای مجلس برمی‌شمرد که عبارتند از وضع و تصویب قوانین، دخل و خرج دولت، نظارت بر اجرای قوانین. البته فروغی ضمن اشاره به بهره‌گیری او از لغات فرانسوی در این رساله، راجع به اصلاحات علمی که بکار برده است بر این باور است که ضمن پذیرش مفاهیم مدرن، تمام سعی بر آن بوده است تا واجبات را ترک ننموده و چندان هم بدنبال مستحبات نباشد. به باور فروغی که همانند دیگر اندیشمندان منتخبین ملت را وکیل نامیده بود، وکلا از جانب ملت حافظ منافع عمومی ملت خواهند بود و این وکالت وکالتی مطلقه است که در آن می‌بایست به منافع عمومی توجه داشته باشند نه منافع خصوصی (فروغی، ۱۳۸۲: ۲۰). فروغی بر این باور بود که منتخبین ملت می‌بایست در زمان انتخابات کلیه عقاید خود را ابراز نمایند تا از این طریق مردم نسبت به آنها شناخت کافی داشته باشند. حال چنانچه نماینده‌ای خلاف اظهارات خود عمل نماید، ملت حق تعرض به او را نخواهد داشت بلکه ضمانت اجرای چنین عملی صرفاً عدم انتخاب نماینده مورد نظر در دوره‌های بعدی خواهد بود. او در رساله خود عنوان می‌دارد که در گذشته اغلب مردمان بر این باور بودند که یک شخص و یا عده‌ای خاص بطور مطلق از اختیار تصمیم‌گیری برای تمام مردم برخوردار است. اما اکنون بیش از یک سده است که عوام بر این باورند که یک شخص و یا جماعتی خاص حق ندارند اختیار تصمیم‌گیری برای یک ملت را برعهده گیرند و از این طریق خود را از صاحبان اختیار مردم تصمیمات و امور جامعه بشمار آورند. بنابراین، اداره یک مملکت و تصمیم‌گیری در امور مملکتی از دو شیوه خارج نمی‌باشد؛ شیوه نخست: افراد تشکیل دهنده یک دولت - ملت خود بطور مستقیم در امور سیاسی مداخله نمایند؛ شیوه دوم: اعضای یک جامعه سیاسی عده‌ای را به انتخاب خود بگمارند تا از طریق آنها اداره امور و تصمیم‌گیری در امور مملکتی را عهده‌دار شوند (فروغی، ۱۳۸۲: ۵۰). همچنین فروغی ضمن موافقت خود با تشکیل مجلس در رابطه با نمایندگان مجلس بر این باور بود که اعضای تشکیل دهنده مجلس وکلای ملت‌اند و وکالت آنها مجانی است. درواقع، او بیشتر بدین خاطر از مجانی بودن نمایندگی مجلس سخن به میان می‌آورد که مبادا کسی با هدف کسب درآمد بدنبال راهیابی به مجلس باشد (زرگری، ۱۳۷۷:

۷۸). بطور کلی نظرات ارائه شده از سوی فروغی در رابطه با مفهوم مدرن نمایندگی مبین این نظر است که وی ضمن اتصال این نهاد مدرن با وکالت مصطلح در فقه اسلامی نسبت به آن آگاهی کامل داشته است که در این خصوص در دیدگاه و نظرات خود خلاصه‌ای از مباحث غربی را ارائه و بیان می‌دارد.

۴. میرزا ملکم خان: نقش ملکم خان در جریان طرح مفاهیم مدرن دوره مشروطه بی بدیل است. از جمله نخستین تلاش‌هایی که او در راستای جریان تحول‌گرایی به ثمر رسانده بود، دفتر تنظیمات با هدف انتظام بخشیدن به حکومت می‌باشد. همچنین او با نگارش مقالات فراوانی در آشنایی جامعه سنتی ایران با غرب مدرن تلاش‌های فراوانی نمود (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۷۰) که نخستین اشارات را به مفهوم نمایندگی و مجلس داشته است. مطابق دیدگاه او مجلس نهادی است برای تصویب قانون و عموماً مهمترین مشخصه و ماهیت وجودی آن را لزوم قانونگذاری می‌داند. ملکم خان نظرات خود را این چنین بیان می‌دارد: "حال بایست اقدام به تأسیس مجلس ملی نماییم که اولاً اصولی که برای تنظیم ایران لازم است را تدوین نماید و ثانیاً یک مضبوط برای مراقبت از اجرای قانون قرار دهند" (ملکم خان، ۱۳۵۵: ۸۵). ملکم خان نیز همانند فروغی اساس مشکلات مملکت را فقدان قانون می‌داند و برای نوشتن قانون صراحتاً به مجلس اشاره می‌نماید. از جمله موارد تشکیلی مجلس از نظر ملکم خان را می‌توان بدین شرح دانست: اولاً؛ برقراری تأمین امنیت مالی و جانی برای ملت ثانیاً؛ سپردن و اداره امور کشور به فقهای ملت ثالثاً؛ دریافت و وصول مالیات صرف آن برای آبادی مملکت و رابعاً؛ تشکیل مجلس شورای کبری جهت تدوین قانون اساسی (همان منبع: ۱۰۰).

در عباراتی که ملکم در رابطه با نمایندگی مجلس بیان می‌دارد دو نکته اساسی حائز اهمیت است؛ در وهله نخست ملکم خان به حضور مجتهدین در کنار دیگر عقلا برای قانونگذاری در مجلس اشاره می‌نماید و نکته دیگر اینکه او بر لزوم نظارت بر اجرای قانون اشاره دارد. به نظر می‌رسد تأکید و اصرار ملکم خان به موازین فقهی که از طریق حضور فقها در جریان مشروطه خواهی به چشم می‌خورد را نمی‌توان مبنایی بر اعتقاد او به امور مذکور دانست بلکه او صرفاً بدین دلیل به اصول و موازین فقهی اشاره می‌نماید که در آن برهه زمانی

فضای فکری اکثریت جامعه ایرانی دارای فضایی سنتی و آکنده از مفاهیم فقهی بود. چنانچه ملت به هرگونه اظهارنظر در رابطه با سرنوشت خویش که بدنبال کنارگذاشتن اصول سنتی و مذهبی آنها بود، واکنش نشان می‌دادند و ملکم خان نسبت به این موضوع اشراف کامل داشت. از سویی دیگر، از آنجایی که فقها در آن دوران بیشترین نفوذ و تأثیر را بر افکار عمومی داشتند، ملکم خان بخوبی میدانست که هرگونه تفسیر و مخالفت با فقها منجر به طرد شدن او از سوی مردم خواهد شد. به همین دلیل او لزوماً تأکید فراوانی به انطباق قوانین و مقررات از سوی نمایندگان مجلس و حضور مجتهدین در مجلس داشت.

۲.۲. خوانش فقیهان عصر مشروطه از مفهوم نمایندگی

مباحثی که اندیشمندان در زمینه نمایندگی مجلس و ورود این مفهوم مدرن به نظام فقهی و حقوقی ایران ارائه داده بودند، پیش زمینه و باب فتحی بود که فقها در زمینه فقهی بدان ورود و در رابطه با آن اظهارنظر نمایند. لازم به ذکر است در بحث و جدال‌هایی که میان فقهای موافق و مخالف ورود این مفهوم غربی ایجاد گردید، زوایای گسترده‌تری را در نظام فقهی - حقوقی ایران نسبت به این مسأله ایجاد نمود که در این بخش از مقاله سعی خواهیم نمود تا به نحوه رویارویی فقیهان عصر مشروطه با مفاهیم مدرن غربی بخصوص مفهوم نمایندگی مجلس پردازیم.

۲.۲.۱. فقیهان مخالف ورود مفاهیم مدرن به نظام فقهی و حقوقی ایران

از جمله مهمترین دلایل مخالفان ورود مفاهیم مدرن غربی نظیر نمایندگی، اتکا به اصول و مبانی فقهی هم در عرصه عمل و هم در عرصه نظر بود که این امر به نوبه خود منجر به ایجاد جدال‌هایی با موافقان ورود این مفهوم مدرن شد. از جمله چهره‌های بارز مخالف و دلایل مخالفت‌شان می‌توان به فقهای ذیل اشاره نمود:

۱. شیخ فضل الله نوری: او از جمله فقهایی بود که با مشروطیت و ورود مفاهیم آن نظیر نهاد نمایندگی مجلس مخالف و آنها را مغایر با فقه و شریعت اسلامی می‌دانست. چنانچه او بر

این باور بود که وکالت چه معنا دارد؟ وکیل به چه کسی می‌گویند؟ و موکل فیه چیست؟ اگر مطالب امور عرفیه می‌باشند لزومی به بیان ترتیبات نیست و اگر مقصود همان امور شرعیه عامه می‌باشد، این امر مربوط به ولایت است و نه وکالت. ولایت بر امور مسلمین در زمان غیبت امام معصوم بر عهده فقیهان و مجتهدین می‌باشد و نه فلان بقال و بزاز. همچنین شیخ بر این نظر بود که تشکیل مجلس نمایندگان هیچگونه مطابقتی با موازین فقهی و شرع اسلامی ندارد؛ چرا که باب وکالت و شرایط آن در فقه مشخص و روشن است که در رابطه با این مفهوم جدید هیچ یک از آنها رعایت نگردیده است. برای نمونه مطابق اصول فقهی موکل می‌بایست در اموری که تعیین می‌نماید ذی‌حق باشد. این در حالی است که ملت در امر سلطنت از هیچگونه حقی برخوردار نمی‌باشند و یا اینکه عقد وکالت از جمله عقود جایز بشمار می‌رود؛ به طوری که موکل هر زمانی که اختیار نماید می‌تواند وکیل خویش را عزل نماید. این در حالی است که در رابطه با این مفهوم مدرن هیچگونه حق عزلی برای عزل وکیل از سوی موکلان ذکر نگردیده است. جدای از تمامی مخالفت‌های پیش گفته، شیخ بر این باور بود که مطابق فقه و شریعت اسلامی وکالت در امور عمومی معنا و مفهومی ندارد بلکه در اینجا باب ولایت قابل طرح است (زرگری نژاد، ۱۳۷۷: ۲۲۹). البته باید بدین نکته اشاره نمود که شیخ ابتدای امر مخالف نهاد نمایندگی مجلس نبود بلکه بر این باور بود که من آن مجلس شورای ملی را می‌خواهم که عموم مسلمانان موافق آن باشند؛ چنانچه لزوماً اساس و مبنای آن اسلامیت باشد و برخلاف قرآن و شریعت اسلامی قانونی را وضع ننماید (ترکمان، ۱۳۶۳: ۲۴۰). لازم به ذکر است، شیخ از اساس با مشروطه مخالفتی نداشت؛ چنانچه در این خصوص بارها گفته بود: «به والله من با اصل مشروطه مخالفتی ندارم بلکه مخالفت من صرفاً با آن اشخاص بی دین و پیروان فرق ضاله است که می‌خواهند به اسلام لطمه بزنند» (ادیب هروی، ۱۳۳۱: ۱۴۰). او حتی ضمن پیشنهادات خود بیان نمود که عنوان حکومت باید مشروطه مشروع باشد و در رابطه با قانون اساسی نیز پیشنهاداتی را به مجلس ارائه می‌دهد و در طرح پیشنهادی خود بر به رسمیت شناختن مذهب جعفری به عنوان مذهب رسمی ایران و لزوم نظارت فقیهان بر قوانین مصوب مجلس تأکید فراوان داشت. البته مجلس با نظرات او مخالفت

داشت که در پاسخ بدین مخالفت‌ها شیخ اقدام به ترک مجلس نمود (رائین، ۱۳۴۷: ۱۹۵). این امر به نوبه خود زمینه‌های مخالفت شیخ با ورود مفاهیم مدرنی همچون نمایندگی را فراهم نمود. البته دیدگاه و دلیل جبهه‌گیری شیخ نسبت به مشروطه و مفاهیم مدرن آن از سوی برخی مخالفین او بی جواب نماند و از این زمان به بعد بود که شیخ از سوی آنها مورد حمله قرار گرفت. چنانچه برخی از نمایندگان وقت در رابطه با مخالفت شیخ بیان داشتند «چون شیخ ریاستی پیدا نکرده بود، از این طریق می‌خواست زمینه انتصاب خود را به ریاست فراهم نماید» (ترکمان، ۱۳۶۳: ۱۴۵). اما در واقع یکی از علل اصلی مخالفت شیخ فضل الله با نهاد نمایندگی مجلس این بود که وظیفه اصلی خود را ادای تکلیف در اجرای قوانین اسلامی برمی‌شمرد و خود را پایبند به سنت دیرینه می‌دانست (زرگری نژاد، ۱۳۷۷: ۱۸۵). در نتیجه او حوزه شرع را وسیع می‌دید، قانونگذاری را نمی‌پذیرفت و آنرا به مثابه خطری جدی برای اسلام قلمداد می‌نمود. او قانونگذاری را در ذیل احکام شرعی قلمداد می‌نمود و به شدت مخالف این بود که دستاوردهای مدرنیته وارد شریعت اسلامی گردند (آبادادیان، ۱۳۷۴: ۴۱). از آنجا که او بر این باور بود که حکومت باید بر اساس فرامین و احکام الهی اداره گردد و اندیشه مشروطه را مخالفان دین وارد ایران کرده‌اند لذا در برابر آن مقاومت کرد. از این دیدگاه شیخ، نسبت به مفهوم مدرن نمایندگی می‌توان در یک برداشت کلی گفت ورود این چنین مفاهیمی در نظام فقهی و حقوقی ایران ایجاد بدعت در فقه و شریعت اسلامی است که بنظر می‌رسد تأکید شیخ بر این نظر منجر شده بود تا او اصل نمایندگی را از اساس مخدوش بداند. به همین جهت می‌توان به قطع یقین ادعا نمود که این چنین نگرشی از مفهوم نمایندگی از سوی شیخ همانطور که خواهیم دید خلاف دیدگاهی است که نایینی در رابطه با این مفهوم مدرن ارائه داد.

۲. میرزا آقا صادق مجتهد تبریزی: او نیز از دیگر مخالفان جدی ورود مفهوم مدرن نمایندگی است که بطور کلی با تمدن جدید و ورود مفاهیم آن به ساختار فقهی - حقوقی کشور مخالف بود. او مشروطه و ورود مفاهیم مدرنی همچون نمایندگی مجلس را در ساختار حقوقی کشور مخصوص غرب می‌دانست و برآن بود که این مفاهیم در ایران نمی‌توانند معنایی

داشته باشند. چنانچه همانند شیخ فضل الله نوری مخالفت خود را در رابطه با مفهوم نمایندگی از دیدگاه و اصول مطرح در فقه و شریعت اسلامی عنوان می‌نماید. نکته قابل توجه در رابطه با تفاوت مخالفت تبریزی و شیخ در آن است که او برخلاف شیخ وکالت مصطلح در فقه و مفهوم نمایندگی را با هم مورد سنجش و ارزیابی قرار نداد بلکه در توجیه مخالفت خود بر امر به معروف و نهی از منکر در شرع اشاره می‌نماید که آن را دارای شرایطی می‌داند که در مفهوم جدید نمایندگی مشهود نیست. چنانچه بر این باور بود اگر بپذیریم که علت وجودی مفهوم نمایندگی امر به معروف است، پس چه دلیلی دارد افرادی که سن آنها کمتر از ۲۰ سال است و یا بیشتر از ۷۰ سال است حق مداخله در این امور حیاتی را ندارند؟ علاوه بر این، چرا کسانی که تمکن مالی ندارند مکلف به انجام این تکلیف نمی‌باشند؟ تبریزی در ادامه نظریاتش نیز در رد نهاد نمایندگی این مثال را مطرح می‌نماید: "بکار بردن اصطلاح امر به معروف برای این مجلس و نمایندگان به مثابه این است که پارچه سیاهی را بر سر خرسی ببندیم و آن را سید خطاب کنیم" (جعفریان، ۱۳۶۸: ۹۰). با دقت نظر و تأمل پیرامون مخالفت تبریزی همانند شیخ در رابطه با نهاد نمایندگی با در نظر گرفتن دیدگاه فقهای موافق این مفهوم مدرن که در ادامه بدان خواهیم پرداخت، می‌توان اذعان نمود که آنچه منجر به تمایز طیف فقهای مخالف و موافق با هم می‌گردد صرفاً مربوط به اسلامی و یا غیراسلامی بودن نهاد نمایندگی نمی‌باشد بلکه نکته قابل توجه تفسیرهای متفاوتی است که آنها از انطباق این مفهوم مدرن با مفاهیم فقهی و اسلامی داشته‌اند.

۲.۲.۲. فقیهان موافق ورود مفاهیم مدرن به نظام فقهی و حقوقی ایران

فقیهان موافق ورود مفهوم نمایندگی در مقابل انتقادات و ایرادات مخالفان این مفهوم مدرن نه تنها سکوت اختیار نکردند بلکه پاسخ‌هایی را در رابطه با نظرات فقیهان مخالف نیز ارائه دادند. آنها بر این باور بودند که مجلس و ورود منتخبین ملت بدان نه تنها مبنایی با فقه و شریعت اسلامی ندارد بلکه می‌توان مبنای آن را نیز در شریعت و فقه اسلامی جستجو نمود. سه تن از فقیهان بحث‌ها و جدال‌هایی به دیدگاه مخالفان ورود مفهوم نمایندگی داشته‌اند که مهمترین آنها را می‌توان به شرح ذیل مورد بررسی قرار داد:

۱. آخوند خراسانی: برخی از صاحب‌نظران در رابطه با اهمیت جدال‌هایی که در عصر مشروطیت میان فقها و در عرصه مباحث فقهی صورت گرفت بر این باورند از نظر واکاوی تاریخ اندیشه در ایران، اساسی‌ترین جدال‌هایی که در میان فقها بر سر ورود مفاهیم مدرن درگرفت جدال میان شیخ فضل‌الله نوری و آخوند خراسانی و طرفدارانش می‌باشد که در تاریخ مشروطیت رخ داده است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۵۹۵). آخوند خراسانی از جمله فقیهانی بود که طی نامه‌ای خطاب به محمدعلی شاه قاجار برای رفع مشکلات مملکت در آن برهه زمانی تشکیل مجلس را به عنوان راهکاری کلی بیان نمود. به گفته او "مجلس شورای ملی و راهیابی نمایندگان و وکلای ملت بدان حلقه اتصالی فی ما بین دولت و ملت ایجاد می‌گردد و این امر مفتاح تربیت و ترقیاتی برای مملکت است. چنانچه دیگر ملل نسبت به این موضوع نائل آمده اند اما ما از آن محروم می‌باشیم" (خراسانی، ۱۳۸۵: ۲۲۰). آخوند به درستی نسبت به مسأله وجود شکاف میان دولت و ملت به عنوان یکی از عوامل اصلی مشکلات جامعه در آن برهه زمانی پی برده بود. به همین دلیل تشکیل مجلس با حضور نمایندگان منتخب ملت را به عنوان راه چاره‌ای در خصوص نظارت به امور حاکمیتی ارائه می‌دهد. چنانچه او در رابطه با لزوم تأسیس نهاد نمایندگی مجلس بیان می‌دارد: "مجلسی که تأسیس آن جهت رفع ظلم و اغاثه مظلوم و امر به معروف و نهی از منکر و تقویت ملت و دولت و از همه مهمتر برای حفظ بیضه اسلام لازم و واجب است" (کدیور، ۱۳۸۳: ۱۷۰). نکته قابل توجه اینکه آخوند همنظر با محلاتی، نایینی و دیگر فقهای مشروطیت مجلس را از جمله مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر تلقی می‌نماید که از جمله مهمترین ثمرات آن تقویت دولت و ملت و ازدیاد رفاه رعیت باشد (آبادیان، ۱۳۷۴: ۹۸). بنابراین، این دسته از فقیهان یکی از مهمترین راه‌حل‌های حفظ جامعه اسلامی را ممانعت از استیلاي کفار بر آنها می‌داند و راه برون رفت از معضلات و مشکلات موجود را روی آوردن به مفاهیم مدرن و تجدد و نوگرایی می‌دانند. لذا با استفاده از مصادیق فقهی مشابه در خصوص لزوم تشکیل نهاد نمایندگی و مجلس، آن را همانند نماز و دیگر واجبات شریعت اسلامی لازم و واجب می‌داند. همچنین آخوند در عصر غیبت امام معصوم صلاحیت حکومت را برای "جمهور مسلمین" برمی‌شمرد و در برخی از عباراتی که

در این خصوص بکار برده است بر این باور بود که در ممالک مشروطه "مالکین زمام امور جامعه خود ملت" می‌باشند. (همان منبع: ۲۰۰). او در اینخصوص اذعان می‌دارد: "زمام کلیه امور مملکت را خود ملت بالاستحقاق و بالاصاله مالک می‌باشند و برای احیای چنین امری انتخاب وکلای شورا از سوی ملت دربرگیرنده تفویض این چنین مالکیتی بر وکلای ملت و اعطای حاکمیت مطلق بدانها می‌باشد" (همان منبع: ۷۰). به باور برخی از محققین آخوند فقیهی است که در عصر غیبت معصوم ملت را حاکم امور جامعه دانسته و انتخاب نماینده از سوی ملت را من باب حق دخالت مردم در امور حاکمیتی تعریف می‌نماید و این از جمله اشارات مهمی است که هیچ کس جز آخوند حتی نایینی بر آن تأکید نداشته است (مرادخانی، ۱۳۹۶: ۴۲۲). از دیگر بنیان‌های فکری آخوند می‌توان به برخی از اشارات او در رابطه با مفهوم مدرن نمایندگی به نامه‌ای اشاره نمود که او به امناء تبریز نوشته بود. آخوند در این نامه در رابطه با مفهوم نمایندگی این چنین می‌نویسد: "وقتی که عموم ملت بر تشکیل مجلس نظر داشته باشند... موافقت با تشکیل آن به عموم مسلمین جامعه واجب و سر باز زدن از آن جایز نمی‌باشد" (خراسانی، ۱۳۸۵: ۱۶۷). با توجه به مفاد این نامه نیز می‌توان اذعان نمود که از دیدگاه آخوند اتفاق نظر عموم ملت در امور عمومی و مرتبط با اداره جامعه همچون نهاد نمایندگی از واجبات است. چنانچه او همواره در رابطه با لزوم ورود نهاد نمایندگی بر این امر تأکید داشت که هیچگونه الزام شرعی وجود ندارد مگر آنکه الزام عقلی وجود داشته باشد. بدین معنی که احکام شرعی تابع مصالحی است که عقل حکم به الزام صدور می‌نماید. بطور کلی آخوند هدف مشروطه و ورود مفاهیم مدرن را تقلیل ظلم و قطع تعدیات جائزین و حفظ بیضه اسلام می‌دانست. تعریفی که او از مشروطیت و مفاهیم آن داده بود بر محور تحدید قدرت استوار بود (زرگری نژاد، ۱۳۷۷: ۱۵۰). از آنجایی که اساس مشروطیت بر تحدید قدرت استوار است، آخوند بر قانون مصوب نمایندگان مجلس که نقش مهمی در تحدید قدرت ایفا می‌کند تأکید فراوان داشت و در رابطه با تشکیل مجلس در نظام حقوق اساسی مشروطیت بر این باور بود که وضع قانون در عرصه مصالح عامه است و تکلیف شرعی عموم مسلمین است و تدوین قانون را واجب شرعی می‌دانست. بطور کلی دیدگاه‌های آخوند خراسانی از این

حیث حائز اهمیت است که ضمن پاسخ به نظرات مخالفان، تحول نظام فقهی و حقوقی ایران، داشتن نظام حقوقی و بدنبال آن تکوین حقوق اساسی را لازم می‌داند و از این جهت می‌توان او را از نخستین فقیهانی برشمرد که حقوق را به عنوان یک علم به رسمیت می‌شناسد؛ چرا که آخوند ضمن بیان جملائی کوتاه بدون اینکه به مفهوم مدرن نمایندگی و جزئیات آن ورود نماید، پا را فراتر از دیدگاه دیگر فقها در رابطه با این مفهوم مدرن می‌نهد. چنانچه از نظر او اهالی مملکت سهم خویش را از قدرت از طریق انتخابات نمایندگان قانونی خود واگذار می‌نمایند. به بیانی دیگر می‌توان گفت از این طریق است که قدرت ملت در مجلس جمع و مجلس نمایندگان نیز به عنوان نقطه ثقل قدرت تبدیل خواهد شد. در نتیجه مطابق استدلال آخوند پس از اعطای اختیارات به نمایندگان ملت، هیچگونه تفاوتی میان حاکمیت پادشاه و حاکمیت منتخبین مردم نخواهد بود.

۲. محلاتی: در پاسخ به شبهات شیخ فضل الله نوری در شک یازدهم و در رساله الثالی المربوط فی وجوب المشروطه نقد خود را چنین بیان می‌نماید: «از نظر شیخ، وکالت اصل نمایندگی مجلس از سوی ملت مطابق موازین شرعی که در شریعت مقدس اسلامی برای ولایت ذکر گردیده، نیست». او دلایل رد خود را نسبت به این نظر شیخ اینچنین بیان می‌دارد: «اولاً موکل می‌بایست نسبت به اموری که برای آنها وکیل تعیین می‌نماید ذی حق باشد که دیگری را در آن نایب خود قرار دهد. شرع مقدس در سلطنت حقی را برای عموم ملت برنشمرده است؛ چرا که مطابق شریعت اسلامی سلطنت یک حق الهی است و این حق برای معصوم و هر کسی که از جانب او مأذون است جایز است و به مردم هیچگونه ارتباطی ندارد. ثانیاً مطابق اصول و قواعد شرعی وکالت عقدی جایز می‌باشد و موکل نسبت به عزل وکیل خود در هر زمانی از اختیار کامل برخوردار می‌باشد. اما در اینجا پس از دادن وکالت از جانب ملت به نمایندگان برای عموم ملت حق عزل در نظر گرفته نشده است مگر در یک صورت؛ آن هم زمانی که مدت دو ساله وکالت به اتمام برسد. ثالثاً: برخلاف وکالت، در اینجا موکلین پس از انتخاب وکیل هیچگونه حق مداخله‌ای در امور مجلس ندارند. رابعاً در شریعت مقدس اسلامی هر کس که عاقل و بالغ باشد، توکیل او نسبت به تمامی امور جایز خواهد بود حال چه

مرد باشد و چه زن و یا پیر باشد یا جوان. این در حالی است که در اینجا وکیل الزاماً می‌بایست مرد باشد و سن او از ۲۱ سال کمتر و از ۷۰ سال نیز بیشتر نباشد (محلاتی، ۱۳۸۴: ۱۰۶-۱۰۷). با دلایلی که محلاتی اقدام به رد نظریات شیخ می‌نماید علی‌رغم تمام تفاوت‌هایی که نهاد مدرن نمایندگی با وکالت دارد، آن را به عنوان یک تأسیس حقوقی جدید مورد پذیرش قرار می‌دهد. چنانچه او با در نظر گرفتن مبانی اصولی در اعتبار بخشیدن به این مفهوم مدرن جای هیچگونه شک و تردیدی را باقی نمی‌گذارد (سلطانی، ۱۳۸۹: ۵۰). بنابراین، از دیدگاه محلاتی الزامی در تطبیق نهاد نمایندگی با وکالت مصطلح در فقه اسلامی نیست و این نهاد مدرن را به شرط صحت اصل مطلب بطور مستقل مورد پذیرش قرار می‌دهد. لذا یکی از مهمترین مبانی او برای پذیرش مفهوم مدرن نمایندگی این است که ترتیبی است منظم و میزانی است منضبط در امور سیاسی که موجب رفع هرج و مرج و منجر به انتظام مملکت اسلامی می‌گردد و از جمله مهمترین فواید آن را آگاهی نوع ملت در امور سیاسی می‌داند. البته باید توجه نمود که تمامی استدلال‌های محلاتی از منظر فقهی مفاهیم نوینی برای توجیه چرایی ضرورت ایجاد نهاد نمایندگی به حقوق عمومی کشور وارد گردیده است (همان منبع: ۶) که از نظر او این تأسیس جدید دارای فایده برای نوع ملت و مفید به حال مملکت خواهد بود.

محلاتی در ادامه نسبت به حکومت در ایران بر این باور است که "جوری استبدادی است که برای آن حد و مرز و ضابطه‌ای نیست و در این چنین حکومتی برای افراد ملت حق قبول و رد نمی‌باشد و آن را با جور در ممالک کفر متمایز و جدا می‌داند؛ چرا که در ممالک کفر رؤسای جور سکنه مملکت را در امور مرتبط با استعمار ملکی ذیحق دانسته و در امور مملکت ملتزم به نظارت امناء می‌باشند. بدین ترتیب ادارات دولتی خود را تابع قوانینی می‌دانند که در مقتضیات سیاسی جعل گردیده است" (محلاتی، ۱۳۸۴: ۱۰۸). لازم به ذکر است بر مبنای آموزه‌های فقهی، محلاتی در رابطه با حکومت مشروطه و ورود مفاهیم مدرن به مشروع بودن آن اعتقاد قلبی نداشته بلکه آن را به عدالت و انصاف نزدیکتر می‌بیند. تعاریف ارائه شده از مفهوم مدرن نمایندگی از سوی محلاتی بیانگر آن است که او با مفهوم مدرن نمایندگی آشنایی

کامل داشته است. چنانچه او اصل نمایندگی را مبنایی برای مشارکت غیرمستقیم ملت در امر حکومت از طریق نمایندگان خویش می‌داند. همچنین محلاتی با تأکید بر اصول و مبانی فقهی در اعتبار بخشیدن به مفهوم مدرن نمایندگی به عنوان یک تأسیس حقوقی نو در فقه و حقوق عمومی ایران هیچگونه تردیدی نداشت. چنانچه با دقت نظر در رویکرد ایشان می‌توان دریافت که ضمن عدم لزوم انطباق مفهوم نمایندگی با وکالت شرعی، به شرط صحت اصل مطلب می‌توان آن را بطور مستقل به رسمیت شناخت.

۳. نایینی: او در رابطه با دیدگاه‌های مخالفان مشروطیت و ورود مفاهیم مدرنی همچون نمایندگی و عدم انطباق آن با وکالت شرعی بر این نظر بود: "از سایر جهات مشترک عمومی که به غیر از ولی منصوب از باری تعالی که در آن احدی حق ولایت ندارد، انطباق در خصوص وکالت شرعی ممکن خواهد بود" (نایینی، ۱۳۵۸: ۹۰). همچنین نایینی بر این نکته تأکید می‌نماید که در این زمینه اولین وظیفه‌ای که بر عهده ایرانیان است، در مسأله مهم انتخاب نماینده می‌بایست چشم و گوش خود را باز نمایند. او برخلاف دیدگاه محلاتی پا را فراتر از موضوع گذاشته و بر این باور است که حتی فرق غیر اسلامی نیز مشمول این دیدگاه می‌شوند. فلذا آنها به چند علت می‌بایست در انتخابات شرکت و نماینده خود را راهی مجلس نمایند:

اول اینکه؛ آنها در امور عمومی با ملت مشترک اند

دوم؛ به دلیل شورایی بودن امور حکومتی

سوم؛ بخاطر پرداخت مالیات (همان منبع: ۹۰). برخی در رابطه با نظر اخیر نایینی بر این باورند استدلال نایینی همانند انقلابیون آمریکایی بر مبنای اصل اولیه حقوقی بود که مطابق آن اهالی مملکت از آنجایی که سهمی در اداره مملکت به عنوان مالیات پرداخت می‌کنند و از آنجایی که حقی بر چگونگی مصارف آن در مصارف نوعیه دارند، می‌توانند بر مبنای آن نمایندگی را بنا نهند (سلطانی، ۱۳۸۹: ۶).

علاوه بر این، نایینی بر این باور بود که در حکومت مستبد، پادشاه با مملکت و افراد جامعه همانند احوال شخصیه خود عمل می‌نماید. نایینی از مواردی به عنوان نیروی نگهدارنده حکومت استبداد یاد می‌کند که آنها را شامل: جهل ملت به وظایف سلطنت، توجیه عالمان

دینی از استبداد، برتری دادن به شاه پرستی، اختلاف انداختن بین مردم در جامعه و استفاده از نیروهای نظامی و مالی برای سرکوب مردم مطرح می‌نماید (فیرحی، ۱۳۹۱: ۲۴۰).

نایینی با ارائه نظریات فوق و با الهام از فقه و حقوق خصوصی در تکوین و بسط مفاهیم حقوق عمومی همچون نمایندگی مجلس کمک فراوانی نمود. لازم به ذکر است نایینی با توجه به دیدگاه فقهی و شرعی‌اش نمی‌تواند از منظر دولت مدرن به مسائل نگاه کند؛ چرا که او کوشش نمود از امکانات سنتی جامعه ایرانی که در فقه و حقوق خصوصی برجسته بود برای تکوین مفاهیم مدرنی همچون شکل‌گیری پارلمان و نمایندگان آن استفاده نماید. همچنین نایینی در پاسخ به شیخ فضل الله نوری که مشروطیت را بدعت می‌خواند، بر این باور بود اگر مشروطه و قانونگذاری را بدعت بدانیم مغالطه‌ای بیش نیست. بنابراین می‌توان گفت نایینی هم‌منظر با دیگر فقهای موافق مفاهیم مدرن بر این باور بود که این مفاهیم نه تنها با قواعد اسلام مابایتی ندارند بلکه وجود آنها با توجه به نیازهای اساسی جامعه ضرورت دارد. این در حالی است که محلاتی برخلاف نایینی بر این باور بود که در سلطنت هیچ حقی بر مردم نیست. در نتیجه همانطور که از دیدگاه نایینی مشهود است، از نظر او نمایندگی مجلس نوعی وکالت شرعی است که نکته قابل توجه و همچنین استدلالی تلویحی درباره دیدگاه او و همچنین الفاظ و کلام وی می‌باشد. چنانچه او دخالت در تمامی امور مرتبط با اشتراکات عمومی را نوعی اعمال ولایت می‌داند که این مهم صرفاً از طریق ولی و منتخب و منصوب خداوند جایز می‌باشد. به همین منظور در اینخصوص ایشان بر این نظر است به دلیل آنکه بر مبنای اصول و مبانی مذهبی ما حاکم و ولی جامعه اسلامی می‌بایست معصوم باشد، فلذا هیأت نظار نیز می‌بایست دارای عصمت و وجود آن لازم و ضروری است. در نتیجه استدلال ایشان، چون در حال حاضر معصوم غایب بوده و بر جامعه اسلامی نیز غیرمعصوم حکومت می‌نماید و از همه مهمتر به دلیل ضرورت وجود عصمت جهت حفظ و تداوم شریعت اسلامی، نمایندگان مجلس این امر مهم و حیاتی را که جامعه بدان نیاز مبرم دارد برعهده داشته و از این طریق نظارت خویش را بر حاکمان جامعه اسلامی با توجه به خلاءهای موجود نظیر عدم حضور معصوم داشته باشند. آنچه که از لحن و کلام نایینی برای مشروعیت بخشی به مفهوم مدرن

نماینده‌گی مجلس مستفاد است از دو وجه قابل توجه می‌باشد؛ وجه نخست اینکه انطباق این چنین منصبی در فقه و شریعت اسلامی با وکالت شرعی همخوانی دارد و وجه دوم اینکه این انطباق توجه به مبنا و مفهوم و معنای لغوی وکالت است؛ هرچند مطابق وجه اخیر نظر نایینی در رابطه با مفهوم نمایندگی مشمول تمامی آثار شرعی وکالت نمی‌گردد اما در هر حال استعمال لغوی از آن صحیح بنظر می‌رسد.

۳. نمایندگی در نظام جمهوری اسلامی

همانطور که در مطالب فوق‌الذکر اشاره گردید، پس از ورود مفهوم مدرن نمایندگی در نظام فقهی و حقوق عمومی ایران در عصر مشروطیت، فقها و اندیشمندان ایرانی هر یک به تحلیل‌های متفاوتی از این مفهوم مدرن و در نهایت ارائه نظرات مختلفی پرداخته‌اند که اکثریت قریب به اتفاق آنان نمایندگی مجلس را همان وکالت شرعی مصطلح در فقه قلمداد نموده‌اند. از آنجایی که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مجلس و نمایندگان منتخب ملت از اصلی‌ترین نهادهای قانونگذاری در تمامی زمینه‌ها را بر عهده دارند، بیان این سوال در رابطه با جایگاه و ماهیت این نهاد مدرن در این بخش از مقاله ضرورت می‌نماید که آیا نهاد مدرن نمایندگی که در عصر مشروطیت از نظام حقوق عمومی غربی گرفته شده است و با ایده‌های فقها و اندیشمندان بومی‌سازی گردید، با همان اندیشه‌ها و نظرات وارد نظام جمهوری اسلامی ایران گردید یا اینکه دچار تغییر شد؟

درخصوص پذیرش این مفهوم مدرن در نظام جمهوری اسلامی ایران، آنچه که نگارندگان بدان باور دارند این است که در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در رابطه با مفهوم مدرن نمایندگی و جایگاه فقهی و حقوقی آن در نظام سیاسی ایران، بحث‌ها و نظراتی ارائه گردیده است که عموماً هدف از آنها پی‌ریزی و درک روشنی از ماهیت فقهی این نهاد جهت درک روشنی از توسعه و تحول مفاهیم مدرنی بوده است که از بدو انقلاب مشروطیت و همچنین بومی‌سازی آن فراهم گردیده است؛ چرا که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با استقرار نظام جمهوری اسلامی که بر مبنای ارزش‌ها و سنت‌های فقهی بنا نهاده شده است،

برخی از شاخصه‌های اجتماعی مدرن همچون نهاد نمایندگی بومی‌سازی گردیده است. چنانچه بنیانگذار و معمار انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) نیز مکرراً در نطق‌های خویش از نهاد مدرن نمایندگی به عنوان وکلای ملت یاد نموده و بر این باور بودند که این مفهوم مدرن همان وکالت مصطلح در فقه می‌باشد و متعاقباً ایفای وظایف نمایندگی از سوی منتخبان ملت را انجام وکالت از سوی ملت می‌دانند (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹: ۱۸۰). علاوه بر این، در اجلاس‌هایی که جهت بررسی وضعیت نهایی تدوین قانون اساسی تشکیل گردیده بود، برخی از علما همچون شهید بهشتی بر این مطلب تأکید داشتند که زمانی که مردم شخصی را به عنوان نماینده قانونی خویش انتخاب و راهی مجلس می‌نمایند به مثابه وکیل آنها در اداره امور جامعه اسلامی می‌باشد (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۴: ۸۵۰). البته برخی دیگر از علما در نظرات فقهی خود در رابطه با جایگاه فقهی مفهوم نمایندگی در نظام سیاسی ایران نیز رویکردشان بر وکیل بودن منتخبین ملت بوده و در غالب نظریات خویش ماهیت وجودی نمایندگان مجلس را همان می‌دانند و از جانب شهروندان جهت انجام وظایف و اختیارات نمایندگی آنها را راهی مجلس می‌نمایند (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۰۰). برخی دیگر از علما نظیر آیت الله جوادی آملی در نظریات ارائه شده از خود بر این باور بوده اند که حاکم جامعه اسلامی به مثابه ولی مردم در اداره امور جامعه به شمار می‌رود که از سوی او نهادهایی همچون نمایندگی به مثابه وکلای ملت به منصفه ظهور می‌نمایند (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۴۰). در نقطه مقابل، برخی دیگر نیز همچون آیت الله حائری یزدی ضمن اینکه قائل به وکیل بودن نمایندگان ملت می‌باشند، بر این باورند که وکلای ملت نماینده و مالکین اصلی تصرفات شهروندان در امور سیاسی و حقوقی بشمار می‌روند؛ چنانچه از نظر ایشان عموماً خود اصل حکومتداری نیز نوعی وکالت بشمار می‌رود (حائری، ۱۳۸۱: ۱۸۰). همسو با نظرات این دسته از علما در نظام فقهی جمهوری اسلامی ایران، عده‌ای دیگر از موافقان وکیل بودن اصل نمایندگی نظیر آیت الله سید محمد صادق روحانی، بر این باورند که شخص نماینده به عنوان وکلای شهروندان در اداره امور جامعه اسلامی به هیچ عنوان بدون داشتن عذر شرعی حق استعفا در امور محوله را نخواهد داشت و چنانچه با کناره‌گیری شخص نماینده شهروندان متوجه خساراتی گردند،

نمایندگان ضامن خسارات وارده بوده مگر در یک مورد و آن هم زمانی که شهروندان به عنوان موکلین این عقد استعفای نماینده خویش را قبول نمایند که در چنین شرایطی می‌توان قائل به اقاله در عقد وکالت بود (روحانی، ۱۳۷۸: ۳۱۵). پیرو این نظر بسیاری از حقوقدانان نیز در نظرات خود در عرصه حقوق و قانون اساسی این دیدگاه را مورد پذیرش قرار داده‌اند و ضمن بیان مفهوم نمایندگی به عنوان وکلای ملت، این مفهوم مدرن در حقوق عمومی را معادل اصطلاح وکالت در فقه و حقوق خصوصی دانسته‌اند؛ با این دیدگاه که نمایندگی وکالتی جمعی است که مهمترین کاربردش به عنوان وکلای ملت در عرصه سیاست می‌باشد (برای دیدن نظرات موافق بنگرید به: نجفی اسفاد، ۱۳۷۹: ۱۶۵؛ موتمنی طباطبایی، ۱۳۸۰: ۷۵؛ بوشهری، ۱۳۸۴: ۱۱۰؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۷۳۵). چنانچه به گفته این دسته، اصل و مفهوم مدرن نمایندگی همان وکالت مطرح شده در حقوق خصوصی است و به نوعی می‌توان آن را به مثابه یک نوع وکالت جمعی برای نیل به اهداف سیاسی اعضای تشکیل دهنده جامعه اسلامی دانست (موتمنی طباطبایی، ۱۳۷۸: ۸۰؛ و بوشهری، ۱۳۸۰: ۱۰۰). اما سؤالی که مطرح می‌گردد این است که در نظام جمهوری اسلامی با توجه به دموکراسی و فضای آزادی که ایجاد شده چرا موضوع جایگاه نمایندگی مجلس و تمایز آن با وکالت به درستی تبیین نگردیده است؟ در پاسخ بدین پرسش باید اذعان نمود که در نظام فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران که ساختار و شاکله اصلی آن بر مبنای اصل ولایت فقیه بنا نهاده شده است، از منظر بنیان فلسفی نظام به اقتضای ساختار حاکم، در قانون اساسی به عنوان قانون مادر ارتباط نمایندگان مجلس با ملت بیشتر بر مبنای نظریه وکالت مصطلح در فقه تبیین گردیده است. چنانچه پس از پیروزی انقلاب اسلامی برداشتی که تدوین کنندگان قانون اساسی و خبرگان جامعه اسلامی از مفهوم نمایندگی داشته‌اند این بوده که از آن به عنوان وکالت تعبیر نموده‌اند؛ چنانچه در شرح مذاکراتشان نیز بر این باور بودند که نماینده منتخب مردم وکیل می‌باشد. البته یک نکته اساسی در پذیرش مفهوم نمایندگی در نظام جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و آن این است که چون کارکردهای نمایندگی به گونه‌ای می‌باشند که با نهاد وکالت شرعی شباهت‌های فراوانی دارد، صرفاً از منظر لفظی این دو مفهوم با هم تناسب دارند و نه در حقیقت قانونی و شرعی.

همانطور که پیشتر نیز گفته شد، بنیانگذار انقلاب اسلامی نیز بر همین مبنا در بسیاری از موارد از نمایندگان مردم به عنوان وکیل نام برده است. در نتیجه می‌توان گفت، در دوران بعد از انقلاب اسلامی بخصوص در زمینه تدوین قانون اساسی رویکردی کاملاً فقهی به مفهوم مدرن نمایندگی وجود داشته است. این در حالی است که نمایندگی مجلس با وکالت مصطلح در فقه همانطور که در ادامه نیز مطرح خواهیم نمود، متفاوت می‌باشد.

۴. حدود و ثغور مفهوم نمایندگی در حقوق عمومی و فقه

نهاد وکالت یکی از اولین و مهمترین راهکاری‌هایی است که فقها و بعضاً حقوقدانان ما از بدو ورود مفهوم نمایندگی مجلس در توجیه و بومی‌سازی آن بدان تمسک جسته‌اند. از این رو، به باور نگارنده چند نکته محوری در تعریف مفهوم و جایگاه نمایندگی در ایران و حدود و ثغور این مفهوم جدید و تمایز آن با مفاهیم فقهی قابل طرح است. علی‌رغم تمامی کوشش‌هایی که برای بومی‌سازی مفهوم مدرن نمایندگی و انطباق آن با وکالت مصطلح در فقه گردید، رفته رفته با ایجاد اقتضائات خاصی که در حقوق عمومی نسبت به این مفهوم مدرن بوجود آمد، منجر به رد نظریه وکالت مصطلح در فقه شد. در این خصوص آن دسته از طرفداران نظریه نمایندگی در پرتو حقوق عمومی و رفع نارسایی‌های تعریف این مفهوم مدرن و تمایز آن با مفاهیم فقهی ویژگی‌هایی را برای آن بر شمرده‌اند که بطور کلی این مفهوم مدرن را از وکالت مصطلح در فقه متمایز می‌سازد. ملی بودن و غیرقابل عزل بودن از جمله ویژگی‌هایی است که این دسته بر این باورند عامل تمایز میان این مفهوم و مفاهیم فقهی است. چنانچه مطابق خصیصه ملی بودن، نمایندگان نماینده تمامی مردم بشمار می‌روند؛ چه کسانی که به آنان رای داده باشند و چه کسانی که کلاً در کارزار انتخابات شرکت نکرده باشند. مطابق خصیصه غیرقابل عزل بودن نماینده نیز در نمایندگی سیاسی شخص نماینده برخلاف وکالت در فقه مصطلح غیرقابل عزل و منتخبین نمی‌توانند در اختیارات شخص نماینده محدودیتی ایجاد نمایند (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۵). برخی از صاحب‌نظران در حقوق اساسی نیز تحت تأثیر نظام حقوقی فرانسه به تفکیک و تمایز مفهوم مدرن نمایندگی و وکالت فقهی با در نظر گرفتن

ساحت حقوق عمومی و حقوق خصوصی پرداخته اند؛ چنانچه جنس و ماهیت این نهاد مدرن را متفاوت و مستقل از تعاریفی می‌دانند که فقه و شریعت اسلامی از وکالت ارائه داده است. چنانچه در تکمیل نظرات خود به نظرات تاریخی رومیان در رابطه با این مسأله اشاراتی نیز داشته‌اند (برای دیدن نظر موافق ر. ک: کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۲). البته صاحب‌نظران دیگری نیز در تمییز این دو مفهوم از یکدیگر اشاره به کلیت حقوق خصوصی و حقوق عمومی نموده‌اند که به ترتیب آن را منحصر به فرد و کلیت جامعه دانسته‌اند (قاضی، ۱۳۷۲: ۶۸). بر همین اساس، نویسندگان دیگری در آثار خود در رابطه با مفهوم مدرن نمایندگی مجلس اذعان داشته‌اند که این مفهوم مدرن همانند دیگر جوامع، منصبی است که با تحقق یک عقد از سوی اعضای ملت به نمایندگان منتسب می‌گردد. اما باید توجه نمود که اعمال این دسته از عقود را باید منحصر در عقود مدرنی دانست که در حوزه حقوق عمومی فعلیت می‌یابد و به هیچ عنوان نبایست آن را با موازین و معیارهای فقهی انطباق داد (حبیب‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۵۰). چنانچه اعمال حاکمیت از جمله لوازم اصلی این پیمان را تشکیل می‌دهد که با در نظر گرفتن دامنه وسیع آن ارزیابی و مطرح نمودن آن به اصطلاحات فقهی جای تأمل دارد (قاضی، ۱۳۷۲: ۶۸). مضاف بر اینکه یکی از مهمترین ضمانت‌های اجرایی که نسبت به نمایندگان منتخب قابلیت اعمال دارد برخلاف وکالت مصطلح در فقه، عدم انتخاب نماینده متخلف در دوره‌های بعدی از سوی موکلین است که در نظام حقوقی ما آن را به مفهوم نمایندگی مدرن نسبت داده‌اند (هاشمی، ۱۳۷۹: ۱۲۵).

با توجه به آنچه که عنوان گردید، وجوه افتراق و تمایز مدرن نمایندگی با مفاهیم مصطلح فقهی از دو حیث قابل تأمل است:

اولاً؛ مفهوم نمایندگی به مثابه عقدی نوین و منحصر به فرد در حقوق عمومی ماهیتاً متفاوت با عقد وکالت در فقه مصطلح است.

ثانیاً؛ آثار و تبعات ناشی از مفهوم نمایندگی بعنوان عقدی نوین کاملاً متفاوت از وکالت فقهی است.

با در نظر گرفتن مباحث و نظریاتی که در بخش‌های پیشین در ارتباط با دیدگاه فقیهان و اندیشمندان در بدو مشروطیت و همچنین صاحب‌نظران و حقوقدانان پس از پیروزی انقلاب

اسلامی نسبت به انطباق وکالت شرعی با نمایندگی مجلس ارائه داده اند، پر واضح است چنانچه موافق نظرات گفته شده باشیم و کماکان نظر به انطباق وکالت شرعی و عقد نوین نمایندگی داشته باشیم، باز درخصوص تعریف این مفهوم مدرن با چالش‌ها و ابهاماتی مواجهه خواهیم شد که اهم آنها در این بخش بیان گردید؛ گرچه این دو نهاد ممکن است خصیصه‌های مشترکی نیز با هم داشته باشند. اما با توجه به اینکه این مفهوم مدرن یکی از ابداعات عصر مدرنیته و حقوق عمومی است نمی‌توان حدود و ثغور آن را با وکالت مصطلح در فقه یکی دانست. بنابراین، نمایندگی جدای از تعریفی است که فقه اسلامی از وکالت ارائه داده است و از اساس در دسته قراردادهای نوینی بشمار می‌رود که حقوق عمومی ابداع کننده آن است. یک نکته مهم دیگر در رابطه با مفهوم مدرن نمایندگی این است که در نظام فقهی ایران این نهاد مدرن چه نسبتی با پذیرش مفهوم ولایت مطلقه فقیه دارد؟ یعنی علاوه بر مفهوم نهاد مدرن نمایندگی سیاسی از بدو پیدایش آن در انقلاب مشروطیت تا پس از انقلاب اسلامی، آیا موارد دیگری نظیر شکل‌گیری مجلس خبرگان و نمایندگان حاضر در آن را می‌توان از مصادیق نهاد نمایندگی به شمار آورد یا اینکه نهاد نمایندگی صرفاً محدود به نمایندگی سیاسی و متخین ملت در مجلس شورای اسلامی می‌باشد؟

در پاسخ به سوال فوق‌الذکر باید گفت، علاوه بر شکل و جایگاه خاص نهاد مدرن نمایندگی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران که شاکله اصلی آن بخصوص در نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مفاهیم فقهی بنیان نهاده شده است، می‌بایست به نهاد ولایت مطلقه فقیه و فلسفه وجودی آن به ویژه در حوزه وظایف و اختیارات این نهاد که منبعت از تشکیل مجلس خبرگان در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، توجه نمود. چنانچه در یک تعبیری کلی از مفهوم ولایت فقیه می‌توان گفت بار معنایی این اصطلاح که در نظام فقهی ایران برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی ظهور یافته است، دربرگیرنده تمامی امور و مباحث اجتماعی جامعه اسلامی است. بنابراین، بر مبنای تئوری ولایت مطلقه فقیه در تمامی امور می‌توان اذعان نمود که فقیه جامع الشرایطی که زمام امور جامعه اسلامی را در دست دارد، نسبت به تمامی امور جامعه که شارع مقدس به نیابت از امامان معصوم (ع) و بدنال آن در

عصر غیبت امام معصوم (ع) به ایشان واگذار گردیده است، زمام ایشان بر کلیه امور سیاسی و اداری جامعه اسلامی دارای مشروعیت خواهد بود. فلذا چنانچه در طول این ولایت اختیاراتی به برخی از نهادهای خاص واگذار گردد می‌بایست در وهله نخست مشروعیت خویش را از جانب آحاد جامعه اسلامی اخذ نماید (شاکرین، ۱۳۸۵: ۸۵). به همین دلیل است که می‌توان در یک نگاه کلی اذعان داشت که از منظر حقوق اساسی اتخاذ آراء از طریق مردم و راهیابی نمایندگان آنها در عرصه‌های تصمیم‌گیری برای اداره امور مختلف جامعه اسلامی امری ضروری و غیرقابل انکار می‌باشد. از این حیث ممکن است گفته شود که پس از انتخاب رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق مجلس خبرگان، نمایندگان منتخب به دنبال مراقبت از وجود و تداوم شرایط در نظر گرفته شده برای رهبر منتخب مردم باشند (هاشمی، ۱۳۷۹: ۱۰۰). در رابطه با بحث و موضوع ذکر شده قبل از شکل‌گیری مجلس خبرگان در نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، بنا بر این بود که یک مجلس موسسان تشکیل گردد که عمده هدف اصلی آن تدوین قانون اساسی باشد. اما بنا به دلایلی که می‌توان مهمترین آنها را در نظرات امام خمینی (ره) مورد ارزیابی قرار داد، این نتیجه حاصل شد که مجلس مذکور یکی از توطئه‌های عناصر ضد انقلاب بر علیه جامعه اسلامی بخصوص شکل‌گیری نهاد ولایت فقیه می‌باشد. بر همین اساس پیشنهاد و طرح تشکیل مجلس خبرگان به جای مجلس موسسان تصویب گردید. چنانچه در رابطه با فلسفه وجودی این مجلس همواره امام راحل در رابطه با موافقت خویش نسبت به تشکیل این مجلس و مخالفتش با طرح تشکیل مجلس موسسان بر این نکته تأکید داشت که به دنبال ایجاد یک قانون اساسی اسلامی می‌باشد و ضمن تأکید بر این نکته بر این باور بود که در این امر نیازمند حضور اشخاصی می‌باشیم که به اسلام و قوانین آن آشنایی کامل داشته باشند (طاهری، ۱۳۶۲: ۵۶). با این طرز تفکر می‌توان بر این نظر قائل بود که یکی از اهداف اصلی مجلس خبرگان و فلسفه وجودی آن را می‌توان در فراهم نمودن و تأمین شرایط لازم جهت مشروعیت بخشی به اصل ولایت فقیه در اصول مدون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دانست. چنانچه پذیرش اصل ولایت فقیه به صورت تصویب اصول مرتبط با این موضوع در جلسات متعددی از این مجلس عملی گردیده و مورد حمایت

نمایندگان آن قرار گرفت (یزدی، ۱۳۷۵: ۱۰۰). از جمله مهمترین دلایل اعطای این چنین مشروعیتی در پرتو اصول مدون قانون اساسی بیشتر به دلیل تعیین نسبت میان اعمال حق حاکمیت ملت و ولایت فقیه بوده است. چنانچه در نظام فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران اعطای حق حاکمیت ملت از خداوند به آحاد جامعه اسلامی تفویض گردیده است و از این جهت شهروندان از این حق بنیادین برخوردار خواهند بود که از طریق انتخابات احقاق حقوق خود را بطور غیرمستقیم بر رهبری اعمال نمایند. در اینخصوص و در رابطه با بکار بردن اصطلاح "غیرمستقیم" لازم به توضیح است که آحاد جامعه اسلامی خود بطور مستقیم قادر به تشخیص جمیع صلاحیت‌های لازم برای رهبری جامع‌الشرایط جهت اداره امور جامعه اسلامی نبوده و انجام این عمل را بر عهده خبرگان منتخب خویش می‌گذارند (منتظری، ۱۳۶۷: ۸۵). با در نظر گرفتن این دیدگاه و همچنین لزوم توجه به فلسفه وجودی مجلس خبرگان رهبری در نظام فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با کارکرد آراء مردمی و منتخبین آنها که عموماً مورد تأکید ویژه قانونگذار اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته است، شرایط و صفاتی در اصولی نظیر اصل یکصدونهم این قانون برای رهبری جامعه اسلامی در نظر گرفته شده است که خبرگان رهبری به عنوان نمایندگان ملت هرگاه رهبری را فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول مندرج قانون اساسی ببینند، مطابق دیگر اصول نظیر اصل یکصدوهشتم این قانون او را از مقام خود برکنار می‌نمایند. مفاد این چنین اصولی در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با نهاد نمایندگی و توسعه و تحول دامنه اختیارات این نهاد مدرن و بومی‌سازی آن با تکیه بر مفاهیم فقهی به صراحت بیانگر نقش رأی مردم در انتخاب نمایندگان خویش نسبت به ایجاد محدودیت در امور حاکمیتی می‌باشد. چنانچه می‌توان گفت، نمایندگان منتخب ملت در مجلس خبرگان که به نوعی شکل بومی‌سازی شده نهاد مدرن نمایندگی بر مبنای موازین فقهی می‌باشد، بر این نکته اساسی اشاره دارد که رأی مردم و راهیابی نمایندگان آنها به مجلس خبرگان بطور غیرمستقیم به منزله احراز شرایط و حتی اعلام عزل رهبری در جامعه اسلامی می‌باشد که مشروعیت خویش را بصورت قانونی از مردم کسب نموده است.

با در نظر گرفتن تمامی مواردی که در سطور فوق در رابطه با نسبت نهاد نمایندگی و مجلس خبرگان بدان اشاره گردید، از حیث کارکردی می‌توان این نهاد بومی‌سازی شده را با نهاد نمایندگی سیاسی که در بدو مشروطیت و بر مبنای مدرنتیه غربی وارد نظام فقهی ما شده است، از دو حیث قابل تفکیک دانست؛

نخست: اینکه می‌توان اذعان داشت منتخبین ملت در مجلس شورای اسلامی در برابر ملت پاسخگو می‌باشند و چنانچه نماینده‌ای از وظایف قانونی خویش برخلاف میل رأی دهندگان تخطی نماید، از سمت نمایندگی عزل و یا دست‌کم در برابر نهاد تقنینی پاسخگو خواهد بود. این در حالی است که نهاد نمایندگی در مجلس خبرگان علی‌رغم انتخابی بودن اعضای آن از سوی شهروندان در برابر هیچ فرد و یا نهادی پاسخگو نمی‌باشد. نکته‌ای که به نوبه خود می‌توان از آن به عنوان وجه افتراق این نهاد بومی‌سازی شده با نهاد مدرن نمایندگی سیاسی یاد نمود.

دوم: وجود مراتب یاد شده در خصوص وجوه افتراق نمایندگی در مجلس خبرگان و نهاد نمایندگی سیاسی به عدم پاسخگویی نمایندگان منتخب ملت در مجلس خبرگان به شهروندان منتفی نمی‌گردد بلکه در دیگر امورات نظیر امور تقنینی همچون مقررات انتخاباتی نمایندگان مجلس خبرگان نیز از این حیث که مقررات مذکور صرفاً به تصویب اعضای خود خبرگان می‌باشد، قابل تأمل است. چنانچه در نهاد نمایندگی سیاسی همانگونه که مشهود است، شهروندان چه از طریق قانون اساسی مصوب و چه از طریق خود نمایندگان منتخبشان حق تغییر و تحول در مقررات انتخاباتی منتخبین خویش را دارند.

نتیجه

مفهوم نمایندگی مجلس برای نخستین بار در جریان انقلاب مشروطیت وارد نظام فقهی و حقوقی ایران شد که جایگاه این مفهوم همچون دیگر مفاهیم مدرن تا به امروز با چالش‌ها و ابهاماتی مواجه بوده به نحوی که ابعاد، وظایف و صلاحیتهای ناشی از این مفهوم چه در وجه قانونگذاری و چه در وجه نظارت به نحو دقیق مشخص نگردیده است. فلذا از این حیث

می‌توان گفت این نهاد مدرن به عنوان یک موضوع بنیادی هنوز هم محل تأمل و مطالعه می‌باشد. نکته قابل توجه در رابطه با بررسی و تبیین این نهاد مدرن این است، که نگارندگان در مباحثی که مطرح گردید صرفاً بدنبال بررسی تاریخی و سیر تحول آن در نظام فقهی و حقوق عمومی ایران نبوده‌اند. بلکه بدنبال اثبات این مهم بوده‌اند، که فقه اسلامی ظرفیت بومی‌سازی تمامی مفاهیم و نهادهای مدرن و مورد نیاز جامعه را خواهد داشت. از جمله مفهوم مدرن نمایندگی که تا پیش از ورود آن به نظام فقهی و حقوقی ایران فاقد پیشینه و هرگونه تئوری پردازی بوده است. مباحث و چالش‌های اساسی از آنجایی آغاز گردید که در نظام مشروطیت لفظ وکالت را برای این مفهوم مدرن که برگرفته از مفاهیم غربی بود، استفاده نمودند. لازم به توضیح است، خود وکالت از مفاهیم ریشه‌دار در فقه و شریعت اسلامی می‌باشد. از این رو فقها بر کاربرد و انطباق این اصطلاح فقهی با مفهوم مدرن نمایندگی استفاده نمودند. به نظر نگارنده شاید بهتر بود بزرگان ما در عرصه نظریه‌پردازی و به بیانی بومی سازی مفاهیم مدرن، نخست از منظر حقوق عمومی با توجه به وارداتی بودن این مفاهیم، تأملاتی می‌نمودند تا از این طریق واژه‌ای مناسبتر به جای وکالت برای این مفهوم مدرن خلق می‌کردند. گرچه ابهامات و چالش‌های موجود در رابطه با مفهوم نمایندگی به دلیل عدم نظریه‌پردازی متناسب و از بدو انقلاب مشروطیت تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره مطرح بوده است و چنانکه در این مقاله نیز مشاهده نمودیم، فقها و اندیشمندان ایرانی درخصوص این مفهوم مدرن مباحث مهمی را ارائه داده‌اند. اما هنوز حدود و ثغور این مفهوم مدرن با وکالت آنچنان که بایسته است، مشخص نگردیده است. در هر صورت از سه حیث توجه به جایگاه این مفهوم مدرن و تأثیرگذار در نظام حقوقی کشور حائز اهمیت است، که آن را از اصطلاح فقهی آن (وکالت) متمایز می‌سازد: اولاً؛ نمایندگان منتخب پس از برگزیده شدن، نماینده تمامی آحاد جامعه چه کسانی که در فرآیند انتخابات شرکت داشته و چه کسانی که هیچگونه مشارکتی نداشته‌اند، خواهند بود. ثانیاً؛ از جمله وظایف یک نماینده در وهله اول رعایت حق و حقوق تمامی آحاد جامعه می‌باشد و نه صرفاً دفاع از حقوق کسانی که او را انتخاب نموده‌اند. ثالثاً؛ انتخاب‌کنندگان پس از انتخاب نماینده مورد نظر خود برخلاف عقد وکالت، از حق مداخله در

رابطه با تصمیمات نمایندگان برخوردار نخواهند بود. رابعاً؛ نمایندگان منتخب ملت می‌توانند در تمامی حوزه‌ها از جمله حوزه‌های مرتبط با موازین شرعی به شرط همسو بودن با نظرات شورای نگهبان به تدوین قوانین و مقررات بپردازند.

بطور کلی آنچه که می‌توان از نکات مذکور استنباط نمود آن است که خاستگاه اولیه و ریشه نمایندگی را می‌توان در حقوق عمومی جستجو نمود و نه بحث در اصطلاحات فقهی همچون وکالت. بنابراین، مفهوم نمایندگی مفهومی خاص و مدرن در حوزه حقوق عمومی است که مطابق قانون و ساختار و ضوابط در هر کشوری دارای مشخصه‌های خاص و ویژه‌ای نیز می‌باشد. اما در عین حال نیز باید توجه نمود که تمامی اختلافات پیش آمده میان فقها و اندیشمندان در رابطه با این مفهوم مدرن حاکی از ظرفیت‌های فقه جهت بومی‌سازی نهادهای مدرن می‌باشد. چنانچه می‌توان ادعا نمود که با وجود چنین اختلافاتی، با ایجاد فضایی که از سوی مبانی فقهی و کلام فقها در رابطه با ورود نهاد مدرن نمایندگی حادث شده بود، در نهایت موجبات بومی‌سازی آن نیز فراهم گردید. بنابراین، نهاد نمایندگی در ایران به معنای بومی‌سازی شده آن با توجه به وظایف و اختیاراتی که مستلزم نوعی مشروعیت بر مبنای مبانی فقهی و اسلامی است؛ بخصوص آنجا که بحث از دخالت فقها در اتخاذ تصمیمات نمایندگان و یا قانونگذاری و دیگر فعالیت‌های مرتبط با نهاد نمایندگی می‌گردد، می‌تواند به نوعی منجر به مشروعیت بخشی نهاد نمایندگی و وظایف و اختیاراتی که جهت تحقق یک جامعه مردم سالار دینی لازم است، گردد. فلذا چنانچه در نظام فقهی و حقوقی ایران نماینده‌ای خود را با قوانین شکلی و بعضاً عرف حاکم بر جامعه اسلامی در حیطه وظایف و اختیارات خویش وفق ندهد، نمی‌توان به لحاظ ماهیتی که از نهاد نمایندگی در نظام فقهی و حقوقی ایران ارائه دادیم، آن را بعنوان منتخب جامعه اسلامی محسوب نمود.

کتابنامه :

- آبادادیان، حسین، (۱۳۷۴)، مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه، تهران: نشر نی
- آجودانی، لطف الله، (۱۳۸۲)، علما و انقلاب قاجار، تهران: اختران
- ادیب‌هروی، محمدحسین، (۱۳۳۱)، تاریخ پیدایش مشروطیت ایران، مشهد: شرکت چاپخانه خراسان
- امام خمینی (ره)، (۱۳۶۹)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- بوشهری، جعفر، (۱۳۸۰)، حقوق اساسی، تهران: گنج دانش
- بوشهری، جعفر، (۱۳۸۴)، حقوق اساسی، اصول و قواعد، چاپ اول، تهران: سهامی انتشار
- ترکمان، محمد، (۱۳۶۳)، رسائل شیخ فضل الله نوری، جلد اول، تهران: موسسه فرهنگی و خدماتی رسا
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش
- جعفریان، رسول، (۱۳۶۸)، تاریخ تشیع در ایران، قم: سازمان تبلیغات اسلامی
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸)، ولایت فقیه و ولایت فقاقت و عدالت، قم: نشر اسراء
- حائری، عبدالهادی، (۱۳۸۱)، تشیع و مشروطیت در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر
- حبیب نژاد، سید احمد، (۱۳۸۵)، نمایندگی مجلس، حقوق و وظایف، چاپ اول، انتشارات اندیشه جوان
- خراسانی، محمد کاظم، (۱۳۸۵)، سیاست‌نامه، به کوشش محسن کدیور، جلد اول، تهران: انتشارات کویر
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران: موسسه لغت نامه دهخدا
- راثین، اسماعیل، (۱۳۴۷)، فراسوخانه و فراماسونری در ایران، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: داور پناه
- روحانی، صادق، (۱۳۷۸)، استفتانات قضایی، چاپ اول، قم: نشر اسراء
- زرگری‌نژاد، غلامحسین، (۱۳۷۷)، رسائل مشروطیت: هیجده رساله درباره مشروطیت، تهران: انتشارات کویر

- سلطانی، سیدناصر، (۱۳۸۹)، *مشروطیت و جدال فقیهان در مفهوم نمایندگی*، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره اول
- شاکرین، حمیدرضا، (۱۳۸۵)، *ولایت فقیه و جمهوری اسلامی ایران*، قم: دفتر نشر معارف وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها
- صورت مشروح مذاکرات مجلس، (۱۳۶۴)، *بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد دوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی
- طالبوف، عبدالرحیم، (۱۳۹۶)، *آزادی و سیاست*، تهران: امید فردا
- طاهری، سید حسن، (۱۳۶۲)، *ولایت فقیه و حاکمیت ملت*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- طباطبایی، سید جواد، (۱۳۸۶)، *مبانی حکومت قانون در ایران*، چاپ اول، تهران: ستوده
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۷)، *مبانی حقوق اساسی*، تهران: مجد
- فروغی، محمدعلی، (۱۳۸۲)، *حقوق اساسی آداب مشروطیت دول*، به کوشش علی اصغر حقدار، تهران: انتشارات کویر
- فیرحی، داود، (۱۳۹۱)، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران: انتشارات سمت
- قاضی، ابوالفضل، (۱۳۷۲)، *گفتارهایی در حقوق عمومی*، تهران: نشر دادگستر
- کاتوزیان، محمد علی، (۱۳۷۸)، *دولت و جامعه در ایران (انقراض قاجار و استقرار پهلوی)*، مترجم: حسن افشار، تهران: انتشارات مرکز
- کدیور، محسن، (۱۳۸۳)، *نظریه‌های دولت در فقه شیعه*، چاپ ششم، تهران: نشر نی
- محلاتی، اسماعیل، (۱۳۸۴)، *النالی المربوط فی وجوب المشروطه در رسائل مشروطیت*، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران: مازیار
- مرادخانی، فردین، (۱۳۹۶)، *خوانش حقوقی از انقلاب مشروطه ایرانی*، تهران: نشر میزان
- مستشارالدوله، میرزا یوسف خان، (۱۳۹۳)، *رساله یک کلمه*، به کوشش آرش جودکی، نسخه دیجیتال، کتابخانه دو-ال
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، *مسائل قضائی و سیاسی*، تهران: صدرا
- معین، محمد، (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیر کبیر
- منتظری، حسینعلی، (۱۳۶۷)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، جلد اول، تهران: انتشارات کیهان

- ملک‌خان، میرزا، (۱۳۵۵)، روزنامه قانون، به کوشش و با مقدمه هما ناطق، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر
- مومنی طباطبایی، منوچهر، (۱۳۸۰)، حقوق اساسی (کلیات و رژیم‌های مهم سیاسی)، چاپ اول، تهران: نشر میزان
- نایینی، محمدحسین، (۱۳۵۸)، تنبیه الامه و تنزیه المله، توضیحات سید محمود طالقانی، چاپ پنجم، تهران: سهامی انتشار
- نجفی اسفاد، مرتضی؛ و فرید، محسن، (۱۳۷۹)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات الهدی
- هاشمی، سید محمد، (۱۳۷۹)، حقوق اساسی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- هدایت‌نیا، فرج‌الله، (۱۳۸۵)، ریاست جمهوری زنان، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۱
- یزدی، محمد، (۱۳۷۵)، قانون اساسی برای همه، تهران: انتشارات امیرکبیر